

الله اعلم
الكرن



گزارش فرهنگ، رسانه و اجتماع - ۱۲
سن ازدواج و سیاست‌های آن در ایران

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مرکز پژوهشی آرا
اندیشکده فرارویش آرا (افرا)
دپارتمان مطالعات و سیاست‌گذاری نظام‌های اجتماعی

ویرایش اول - بهار ۱۳۹۶

طراحی جلد و صفحه‌آرایی و چاپ: واحد گرافیک مؤسسه پیام رسان حکمت و اندیشه

غیر قابل انتشار
داخلی و به منظور استفاده شخصی شما فرهیخته‌ی گرامی ارسال می‌گردد.
کلیه حقوق مادی و معنوی اثر متعلق به مرکز پژوهشی آرا می‌باشد.

شماره تماس: ۲ الی ۸۸۱۶۳۹۶۱ - ۰۲۱

www.ararc.ir





سن ازدواج و سیاست‌های آن در ایران

■ گزارش فرهنگ، رسانه و اجتماع - ۱۲ ■



فهرست مطالب

۶.....	چکیده.....
۷.....	مقدمه و طرح مسأله.....
۱۰.....	مبانی نظری.....
۱۰.....	نظریه مدرنیزاسیون.....
۱۱.....	نظریه مبادله.....
۱۲.....	نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز.....
۱۳.....	نظریه تورم رکودی.....
۱۴.....	وضعیت سن ازدواج در ایران.....
۲۳.....	مسأله ازدواج دختران روستایی.....
۲۴.....	خانواده‌های تک‌نفره.....
۲۶.....	ازدواج در سن پایین.....
۲۷.....	ازدواج در سن پایین در قانون و فقه.....
۳۱.....	علل و پیامدهای ازدواج در سن پایین.....
۳۳.....	سیاست ازدواج در ایران.....
۳۴.....	سیاست‌های اجرایی.....

۳۸.....	عملکرد دستگاه‌های دولتی.....
۴۰.....	برنامه‌های شهرداری تهران.....
۴۰.....	طرح گوهر رحمت.....
۴۱.....	طرح شکوفایی عشق.....
۴۲.....	فعال‌سازی پایگاه‌های همیار خانواده در خانه‌های تسنیم.....
۴۲.....	عملکرد نهادهای غیردولتی.....
۴۳.....	بررسی پیامدهای اجرای سیاست ازدواج.....
۴۸.....	پیشنهاد برای کاهش میانگین سن ازدواج.....
۴۸.....	راهکارهای پیشگیری از ازدواج در سن پایین.....
۵۰.....	منابع.....

چکیده

سیاست‌گذاری در حوزه خانواده و تحکیم نهاد آن، توجه به ازدواج و تشکیل خانواده را نیز شامل می‌شود. لازمه هر نوع سیاست‌گذاری جامع و کارآمد در این حوزه داشتن تصویری کامل از مسأله و درک صحیح جنبه‌های مختلف آن است. جامعه امروز ما با مشکلاتی چون بالا رفتن سن ازدواج، افزایش تعداد مجردان قطعی، تغییر شیوه همسرگزینی و... روبه‌روست. کنترل و هدایت این تغییرهای اجتماعی، مستلزم بررسی سیاست‌های ازدواج، عملکرد دستگاه‌های اجرایی و بازبینی آن‌هاست. این گزارش ابتدا با بررسی آمار و تحقیق‌های موجود، تغییرات سن ازدواج را بررسی می‌کند و پس از ارائه تصویری از وضع موجود، بر قوانین و عملکرد دستگاه‌های اجرایی در این باره مروری دارد.

ضرورت دارد که با پدیده افزایش سن ازدواج به‌عنوان مسأله روبه‌رو شویم اما باید تغییرات اجتماعی حاصل از مدرنیته و تأثیرهای متفاوت آن را بر زنان و مردان در نظر داشت. از سوی دیگر استان‌های مختلف کشور از نظر توسعه اجتماعی-اقتصادی در یک سطح نیستند و سیاست جامع و یکپارچه دولتی که به این تفاوت‌ها و عدم تبعیت از الگوی یکسان در تمامی کشور دقت نکند، با شکست مواجه می‌شود؛ درحالی‌که در کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ، کاهش پدیده ازدواج و بالا رفتن میانگین سن ازدواج، قابل توجه است. در استان‌های محروم کشور، همچنان با ازدواج در سن پایین روبرو هستیم. سیاست اجتماعی در برابر این دو معضل، یکسان نخواهد بود. هدف‌گذاری سیاست تسهیل ازدواج در ایران باید معطوف به ازدواج در گروه سنی مناسب (۲۵-۲۰ سال) باشد و به راهکارهای کوتاه‌مدت اقتصادی اکتفا نکند.

مقدمه و طرح مسأله

خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است. خانواده گروهی از افراد است که با ارتباط‌های خویشاندی پیوند یافته‌اند و اعضای بزرگسال آن مسئولیت مراقبت از کودکان را بر عهده دارند. پیوندهای خویشاوندی، ارتباط‌های میان افراد است که یا از طریق ازدواج یا از طریق تبار که خویشاوندان خونی (مادران، پدران، فرزندان، پدربزرگ و مادر بزرگ‌ها) را با یکدیگر مرتبط می‌سازد، به‌وجود می‌آید. ازدواج می‌تواند از نظر اجتماعی به‌عنوان پیوند جنسی به رسمیت شناخته و امری پسندیده بین دو فرد بزرگسال تعریف شود (گیدنز، ۱۳۷۶: ۴۱۳-۴۱۱).

ازدواج در کنار وقایع حیاتی دیگر چون تولد و مرگ جایگاه مهمی در روند زندگی فرد دارد که از جنبه‌ها و ابعاد گوناگون شایسته بررسی و مطالعه است. در کشور ما که به لحاظ ساختار سنی، بخش اعظم جمعیت آن را جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهند، مطالعه این امر به لحاظ سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اهمیت زیادی دارد؛ زیرا مسائل و مشکلات و نابسامانی‌های موجود در این بخش می‌تواند در سطح فردی و اجتماعی پیامدهای ناخواسته فرهنگی و اجتماعی ناگواری در پی داشته باشد. نگرش‌های فرهنگی درباره ازدواج، وضعیت اشتغال و بیکاری جوانان، امید به آینده، تحصیلات و غیره می‌تواند روند طبیعی این پدیده را دچار اختلال کند البته باید توجه داشت که ساختار جمعیتی جامعه نیز ممکن است مستقیماً بر وضعیت ازدواج در جامعه تأثیر بگذارد، با این حال اجماع نظر نسبی بیانگر تأثیر تعاملی ساختار جمعیتی و متغیرهای فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاسی در وضعیت ازدواج به‌خصوص ازدواج زنان است.

مهم‌ترین عامل در ازدواج، تبعیت آن از تغییرهای نهاد خانواده است. تغییرهای خانواده موجب تغییر در سن ازدواج و هنجارهای همسرگزینی می‌شود. سن شروع پیوند جنسی (ازدواج) در جوامع مختلف و بین زن و مرد کاملاً فرق می‌کند.

عوامل مؤثر در سن ازدواج عبارتند از: سن بلوغ، مقررات دینی و مذهبی، آداب و سنن و فرهنگ جامعه، قوانین و مقررات اجتماعی، وضع اقتصادی، نوع شغل، میزان تحصیلات و جنسیت فرد. عامل مهم دیگری که در سن ازدواج مؤثر است نظام خانواده است. در جوامعی که «نظام خانواده گسترده» شایع است، سن ازدواج

معمولا پایین است؛ زیرا جوانان پس از ازدواج در خانواده پدری ساکن می‌شوند و «در این نظام که مسئولیت تربیت فرزندان بین همه اعضای خانواده مشترک است بچه‌ها به آسانی مورد قبول قرار می‌گیرند، بر عکس در جوامعی که هنجار آن، خانواده هسته‌ای است، مسئولیت بزرگ کردن فرزندان عمدتاً بر دوش والدین است و ازدواج آن قدر به تأخیر می‌افتد تا فرد بتواند از عهده این مسئولیت‌ها برآید (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۰۷). در قرن بیستم در اروپا خانواده هسته‌ای محدود به وجود آمد، گروهی که با رشته‌های عاطفی نزدیک پیوند یافته، به میزان زیادی از خلوت خصوصی خانگی برخوردار است و تمام توجه خود را به پرورش کودکان معطوف می‌سازد. خانواده هسته‌ای با ظهور فردگرایی عاطفی و تشکیل پیوندهای زناشویی بر پایه گزینش شخصی - که هنجارهای مهرورزی یا عشق رمانتیک هدایت‌کننده آن است - مشخص می‌گردد (گیدنز، ۱۳۷۶: ۴۱۹). بعد از جنگ جهانی دوم، شمار زنان شاغل در کار روزمزد به شکل چشمگیری افزایش یافت و این افزایش به ایجاد تغییر در الگوهای خانواده کمک کرد (همان: ۴۲۵).

تغییرات صنعتی شدن و شهرنشینی باعث گسترش و تفوق خانواده هسته‌ای در سایر کشورهای درحال توسعه شده است. مهم‌ترین تغییراتی را که هم‌اکنون در حوزه خانواده در سراسر جهان رخ می‌دهند، می‌توان به این شرح خلاصه کرد: به علت تأکید بر فردگرایی و عشق رمانتیک و سایر عواملی که نظام خانواده گسترده را تضعیف می‌کنند، ازدواج تنظیم‌شده محدود و روندی کلی در انتخاب آزادانه همسر دیده می‌شود. بیشتر ازدواج‌ها در فرهنگ‌های سنتی، «ازدواج خویشاوندی» بودند که اکنون این نوع ازدواج روزه‌روز کمتر می‌شود. حقوق زنان هم از نظر حق انتخاب در ازدواج و هم تصمیم‌گیری در خانواده بیش از پیش به رسمیت شناخته می‌شود. افزایش اشتغال زنان همراه با آسان‌تر شدن طلاق با این تغییرها در ارتباط است. آزادی جنسی در جوامعی که بسیار سختگیر بودند، بیشتر رواج می‌یابد. روندی کلی برای گسترش حقوق کودکان وجود دارد و بیشتر حکومت‌ها چارچوبی قانونی برای حمایت از حقوق مزبور ایجاد کرده‌اند (همان: ۴۲۲-۴۲۱).

در کشورمان نیز جامعه‌شناسان تغییر الگوی خانواده را از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای و تغییر مناسبات جنسیتی را توضیح داده‌اند. امروزه اغلب جوانان به‌خصوص آن‌ها که در نواحی شهری کار و زندگی می‌کنند،

خواهان حق انتخاب شریک زناشویی خود هستند. از تعداد ازدواج‌های فامیلی کاسته شده و در کنار آن سن ازدواج افزایش یافته است. بر تعداد طلاق‌ها و زنان مجرد و سرپرست خانوار افزوده شده و همچنین الگوی مصرف خانواده مرفه در شهرهای بزرگ، جانشین الگوی خانواده سازگار شده است. بخش زیادی از جامعه زنان فراتر از نقش‌های خانوادگی به نقش‌های دیگر نیز می‌اندیشند. دگرگونی‌های ساختاری در آموزش و کار زنان و افزایش توان ایشان در زمینه‌های زندگی اجتماعی و رشد اندیشه‌های فمینیستی، آنان را به بازنگری در نقش‌ها و هویت‌های سنتی خود و دگرگون‌سازی آن واداشته است. بهره‌مندی از امکانات ملی از جمله تحصیل، شغل، رشد فردی، موقعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، نقش آفرینی در فرآیند تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و بالندگی در عرصه‌های گوناگون به یک مطالبه گسترده در بین زنان تبدیل شده است.

بخشی از پژوهشگران حوزه خانواده، تغییرهای خانواده را در چارچوب روند جهانی تغییرات بعد از صنعتی شدن می‌بینند. بر این اساس، خانواده در سراسر جهان از تحولات فرهنگی و اقتصادی و اجتماعیِ نوسازی و جهانی‌شدن مانند شهرنشینی، گسترش فناوری، تحرک جغرافیایی و افزایش دسترسی به ابزارهای جدید اثر پذیرفته و با تغییر در مناسبات و کارکردها، در پی سازگاری خویش با شرایط جدید است؛ پس باید این تغییرات را پذیرفت (آزاد ارمکی، زند و خزایی، ۱۳۷۹).

سیاست‌گذاری در حوزه خانواده و تحکیم نهاد آن بدون شناخت روند تغییرات آینده و چالش‌های پیش رو ممکن نیست. بالا رفتن سن ازدواج، افزایش تعداد مجردان قطعی، تغییر شیوه همسرگزینی و ... از تغییرهای مهم خانواده است که بر نرخ طلاق، نرخ باروری و تعداد فرزندان و روابط جنسی آزاد در جامعه تأثیر می‌گذارد و کنترل و هدایت آن، مستلزم بررسی عملکرد دستگاه‌های اجرایی و بازبینی آن است. این گزارش سمت و سوی این تغییرات را مشخص می‌کند. در این تحقیق، ضمن مشخص کردن وضع موجود تغییرات اجتماعی در سن ازدواج و شیوه‌های همسرگزینی و ... به بررسی قوانین موجود و عملکرد دستگاه‌های اجرایی در این حوزه پرداخته‌ایم و در پایان به راهکارهای مناسب برای کنترل و هدایت این تغییرهای اجتماعی و بهبود عملکرد دستگاه‌های اجرایی می‌پردازیم.

سؤال‌های اصلی تحقیق از این قرارند:

از وضعیت ازدواج در ایران چه می‌دانیم؟

چه نهادهایی متولی ازدواج‌اند و چه وظایفی دارند؟ چه برنامه‌هایی را اجرا می‌کنند؟

عملکرد دستگاه‌های اجرایی در حوزه ازدواج تا چه حد موفقیت‌آمیز بوده است؟

روش اصلی در این طرح، مطالعه اسنادی از نوع تحلیل محتوای متون است. در این مطالعه تحقیقات انجام‌شده در حوزه خانواده و قوانین خانواده در ایران و عملکرد دستگاه‌های اجرایی بررسی و اطلاعات آن، تحلیل خواهد شد. جامعه آماری و میدان مطالعه عبارت خواهد بود از پروژه‌ها و بررسی قوانین و اسناد و گزارش عملکرد دستگاه‌های اجرایی. در این گزارش از اطلاعات مربوط به سرشماری‌های کشور به‌ویژه از آمارهای سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ استفاده شده است.

مبانی نظری

از آنجا که این پژوهش به دنبال بررسی و نقد سیاست‌های تسهیل ازدواج در ایران است به نظریه‌های جامعه‌شناسی تبیین‌کننده افزایش سن ازدواج نیز نگاهی داشته است. در ذیل به اختصار به چند نظریه اصلی در این زمینه شامل مدرنیزاسیون ویلیام جی گود، مبادل، کارکردگرایی ساختاری تالکوت پارسونز و تورم رکودی اشاره شده است تا به کمک آن‌ها، چارچوب مفهومی سیاست‌های تسهیل ازدواج در ایران روشن شود.

نظریه مدرنیزاسیون

نظریه مدرنیزاسیون پایه نظری بسیاری از تحقیق‌ها را در زمینه تغییر و تحولات در نظام خانواده به‌ویژه سن ازدواج تشکیل می‌دهد (خلج‌آبادی فراهانی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۳). ویلیام جی گود (۱۹۶۳) با مطرح کردن ایده «انقلاب جهانی در الگوهای خانواده» معتقد است که «فرآیند مدرنیزاسیون در سطوح مختلف فردی و اجتماعی بر زمان ازدواج اثر می‌گذارد» (عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴: ۲۸). این نظریه با تأکید بر تغییرهای ساختاری

گذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی)، تغییر الگوهای ازدواج را به تغییرهای ساختاری همچون سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی مرتبط می‌کند. براین اساس تحولات ازدواج و خانواده، سازگار با شرایط اقتصادی و اجتماعی تغییر یافته در نظر گرفته می‌شود (همان: ۲۷).

بنابر آنچه گفتیم رشد اقتصادی، افزایش سطح تحصیلات و اطلاعات و متنوع شدن تعاملات انسانی، منابع اجتماعی- شناختی و مادی مردم را افزایش داده و آن‌ها را از نظر مادی و اجتماعی مستقل‌تر کرده است (حسینی و گراوند، ۱۰۶: ۱۳۹۲)؛ از این رو موجب گرایش به کسب موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی بالاتر شده است. این مسأله در زنانی با گرایش به تحصیلات بیشتر و کسب موقعیت‌هایی همانند مردان و پررنگ‌تر شدن نقش‌های اجتماعی آنان، تغییر در نقش‌های جنسیتی را به همراه دارد (بانکی پورفرد، کلانتری و مسعودی نیا، ۱۳۹۰: ۲۸). بهبود موقعیت زنان، تأثیر زیادی بر زمان ازدواج آنان داشته است به طوری که افزایش سن ازدواج با کاهش فاصله سنی بین زوجین، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و کاهش باروری همراه بوده است (جنادله و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۸-۲۷).

فرآیند مدرنیزاسیون همچنین تغییراتی در ارزش‌ها و باورهای افراد نسبت به ازدواج و الگوهای خانواده ایجاد کرده است (حسینی و گراوند، ۱۳۹۲: ۱۰۲). این فرآیند از طریق نیازها و تقاضاهای جدید و نمایاندن سبک‌های جدیدی از زندگی خصوصا در میان جوانان، نیاز به ازدواج و تشکیل خانواده را به اولویت‌های بعدی منتقل کرده است (کوششی و قربانی، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

نظریه مبادله

این نظریه نیز بر آن است که مردم در انتخاب‌های خود، منطقی و در صدد به حداکثر رساندن سود خویش از انتخاب و برقراری رابطه با دیگران‌اند. بارتز و نای (۱۹۷۰) با کاربرد این نظریه درباره ازدواج، دو دسته علل تعیین‌کننده ازدواج را مشخص کرده‌اند: دسته اول، باعث می‌شود ازدواج برای فرد، رضایت بیشتری را نسبت به مجرد ماندن تأمین کند و دسته دوم، باعث می‌شود ازدواج در میان بسیاری از جایگزین‌های

نامطلوب برای فرد، کمی مطلوب‌تر به‌شمار رود. این دو نفر با بررسی ۲۳ قضیه مرتبط با عوامل اقتصادی-اجتماعی ازدواج، یک قضیه نظری عام مطرح کردند؛ به این صورت که هر قدر تفاوت مثبت بین رضایت مورد انتظار از ازدواج و رضایت دریافت‌شده از موقعیت کنونی فرد بیشتر باشد، ازدواج زودرس بیشتر خواهد بود (خلج آبادی فراهانی و رحیمی، ۱۳۹۰:۳).

با پذیرش این اصل، زنان در شرایط رقابتی و برای این که شغل و فعالیتی به‌دست آورند، مجرد باقی می‌مانند یا ازدواج خود را به تأخیر می‌اندازند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۹). همچنین دیگر صاحب نظران معتقدند اشتغال، جایگزین دیگری برای ازدواج، فراروی زنان قرار می‌دهد و به این دلیل که مزایای اقتصادی اشتغال، امنیت و رضایت شخصی بیشتری در مقایسه با ازدواج برای آنان فراهم می‌آورد، به اهداف شغلی، اولویت بیشتری می‌دهند؛ در نتیجه ازدواج را به تأخیر می‌اندازند (بستان نجفی و دیگران، ۱۳۸۹:۱۲).

نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز

یکی از اصلی‌ترین نظریاتی که جامعه‌شناسان در تحلیل مسائل خانوادگی و ازدواج به آن توجه داشته‌اند، نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز است. این نظریه توجه ما را به چگونگی شکل‌گیری رفتارهای فردی به‌وسیله ساختارها متمرکز می‌کند (الیاسی و دیگران، ۱۳۹۲:۵). در مدل پارسونز چهار خرده‌نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی طراحی شده است که در ارتباط با یکدیگرند و به ترتیب عهده‌دار کارکرد حفظ و تداوم الگوها، رسیدن به هدفها، انطباق با شرایط محیطی، ایجاد یگانگی و انسجام اجتماعی‌اند. چون این مدل انتزاعی است در همه سطوح کلان و میانه و حتی گروه‌های کوچک، قابلیت تعمیم دارد و در هر خرده‌نظام نیز می‌توان این چهار کارکرد را جستجو کرد (صدیق اورعی، ۱۳۷۴:۳۹).

پارسونز درباره فرآیند هسته‌ای شدن خانواده به اهمیت شغل می‌پردازد و بر اساس متغیرهای الگویی خویش اهمیت آن را ناشی از ماهیت نظام تقسیم کار در جوامع صنعتی جدید می‌داند (الیاسی و دیگران، ۱۳۹۲:۶). اشتغال‌های جدید از دیدگاه وی نیاز به تخصص بالا، افراد کارآمد و نیروی انسانی باصلاحیت دارد؛ همین طور

مشاغل جدید این گونه اقتضا می‌کند که افراد، مهارت‌های جدید را بیاموزند و در نقاط مختلف جامعه تحرک و جابه‌جایی داشته باشند. چنین امری از نظر وی در خانواده هسته‌ای تحقق می‌یابد (شیخی، ۱۳۸۰: ۴۹).

در جامعه ایران نیز نظام مشاغل جدید، نیازمند حضور افراد در کانال‌های آموزشی طولانی‌مدت است که خود این امر باعث بالا رفتن سن ازدواج افراد می‌شود؛ همچنین نبود برنامه‌ریزی مناسب برای اشتغال و آموزش سبب می‌شود که سازمان‌های آموزشی (مربوط به خرده‌نظام‌های فرهنگی) اقدام به ارائه آموزش‌های غیرمتناسب با بازار کار نمایند که این امر، تقاضای کاذب برای آموزش ایجاد می‌کند و جامعه بدون این که فرصت‌های شغلی جدید به وجود آورد با پدیده‌های آموزشی اضافی روبه‌رو می‌گردد که این پدیده اثرهای نامطلوبی بر سن ازدواج می‌گذارد (مجدالدین و جمالی، ۱۳۸۶: ۱۴۳-۱۴۲)؛ بنا بر آنچه گفتیم ازدواج و تشکیل خانواده حاصل تعامل تمامی خرده‌نظام‌های جامعه با یکدیگر است؛ چنان که برای تحقق ازدواج، شغل و مسکن مناسب ضروری است و تحصیل و کسب تخصص نیز مقدمه لازم برای هر سه آن‌هاست (مجدالدین، ۱۳۸۶: ۳۸۰).

نظریه تورم رکودی

در دوره‌های رواج و رونق اقتصادی، مردم بیشتر ازدواج می‌کنند و در دوره‌های بحران و رکود اقتصادی ازدواج‌ها به تأخیر می‌افتند و یا منتفی می‌شوند. یکی از معضلاتی که کشورهای در حال گذار با آن روبه‌رو هستند، تورم و رکود ساختاری است. رشد بهداشت و رفاه عمومی، نرخ مرگ‌ومیر را کاهش می‌دهد و باعث رشد بالای جمعیت می‌شود. نرخ رشد جمعیت و پیشرفت نسبی امکانات جمعی، تقاضای کل را افزایش می‌دهد و تورم ساختاری ایجاد می‌کند (جنادله و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۹). جوامعی که ساختار اقتصادی در حال گذار داشته‌اند یا در ابتدای توسعه صنعتی‌اند، سن متوسط ازدواج بالایی دارند؛ زیرا همواره در ابتدای دوره رشد صنعت و به دنبال آن امکان آزادی فردی و کاهش حضور والدین در امر ازدواج و پایین بودن سطح زندگی و نیز وجود بیکاری، سن متوسط ازدواج بالاست (میشل، ۱۳۵۴: ۱۴۶)؛ بنابراین افزایش بحران‌های سیاسی و اقتصادی

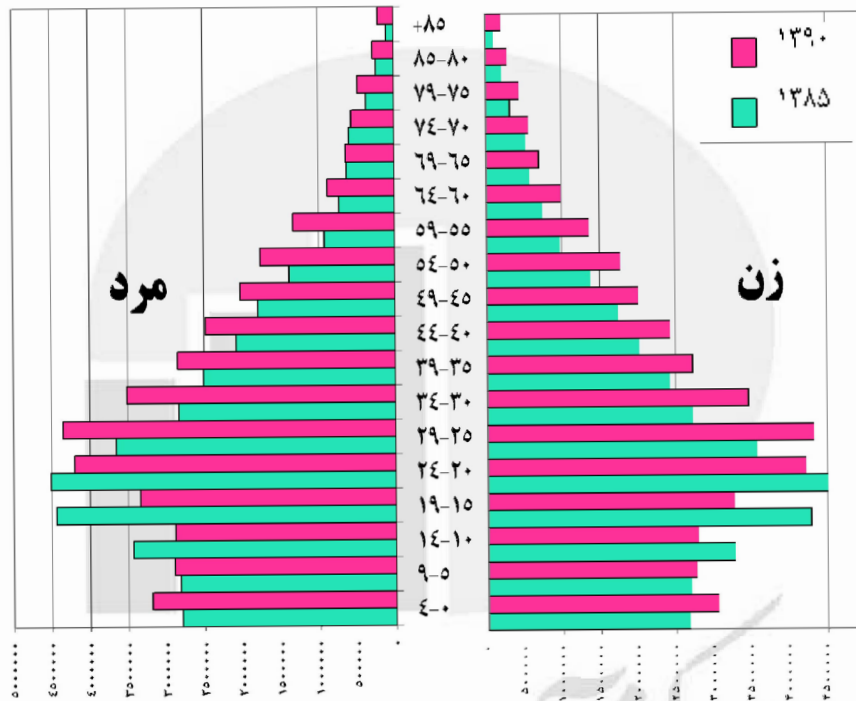
و مؤلفه‌های مهم تورم رکودی چون حجم نقدینگی، تورم، رکود، کاهش تولید، بیکاری، مصرف‌گرایی و افزایش سطح انتظاراتها بر افزایش سن ازدواج جوانان نقش مؤثری داشته و مشکلاتی را در عرصه اقتصادی بر سر راه ازدواج آنان به وجود آورده است (مجدالدین، ۱۳۸۶: ۳۷۸).

وضعیت سن ازدواج در ایران

نمودار هرم سنی جمعیت، یکی از بهترین نمودارهایی است که تغییرهای جمعیت‌شناختی را به خوبی نشان می‌دهد.

گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ ————— ۳۴

مقایسه هرم‌های سنی جمعیت ایران در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰



در نمودار کاملاً آشکار است که بیشترین گروه سنی جمعیت ایران، گروه‌های سنی ۲۰ تا ۲۹ ساله، یعنی متولدان دهه شصت‌اند و در سن ازدواج و باروری قرار دارند. اعداد دقیق‌تر درباره افراد مجرد و متأهل در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. فراوانی افراد مجرد بر حسب جنسیت و گروه سنی

زنان			مردان			گروه سنی
درصد مجردان	مجردان	جمع کل	درصد مجردان	مجردان	جمع کل	
۷۸/۵۱	۲،۵۵۹،۲۶۳	۳،۲۵۹،۶۰۷	۹۷/۶۳	۳،۲۶۸،۲۲۳	۳،۲۴۷،۴۳۶	۱۵-۱۹ ساله
۴۷/۰۷	۱،۹۸۲،۹۵۴	۴،۲۱۲،۹۲۲	۷۷/۴۹	۳،۲۵۵،۹۳۸	۴،۲۰۱،۵۷۵	۲۰-۲۴ ساله
۲۶/۱۸	۱،۱۳۰،۶۲۷	۴،۳۱۸،۰۲۰	۴۰/۲۷	۱،۷۵۳،۶۰۷	۴،۳۵۴،۶۳۴	۲۵-۲۹ ساله
۱۵/۴۵	۵۳۳،۹۱۰	۳،۴۵۶،۰۹۶	۱۵/۸۹	۵۵۸،۶۹۹	۳،۵۱۵،۸۲۸	۳۰-۳۴ ساله
۹/۱۴	۲۴۸،۷۰۹	۲،۷۲۰،۷۸۵	۶/۵۱	۱۸۵،۷۹۵	۲،۸۵۰،۲۳۳	۳۵-۳۹ ساله
۵/۴۵	۱۳۲،۰۲۰	۲،۴۲۰،۳۷۰	۳/۵۴	۸۸،۰۹۶	۲،۴۸۶،۳۷۹	۴۰-۴۴ ساله

منبع: گزارش سرشماری سال ۱۳۹۰ - مرکز آمار ایران

جدول ۱ نشان می‌دهد که در گروه سنی زیر ۲۰ سال، زنان بیشتر از مردان ازدواج می‌کنند، بیشترین ازدواج‌ها بین مردان گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله با زنان گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله رخ می‌دهد و جمعیت زنان و مردان مجرد در گروه سنی ۳۴-۳۰ ساله تقریباً برابر و حدود ۱۵ درصد جمعیت این گروه سنی است، اما وقوع ازدواج در تمام نقاط کشور یکسان نیست. جدول ۲ تفاوت تعداد ازدواج در مناطق روستایی و شهری را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ثبت ازدواج به تفکیک شهر و روستا

سال	نقاط شهری	درصد تغییرها	نقاط روستایی	درصد تغییرها
۱۳۵۷	۱۱۶,۱۹۷	-	۶۸,۱۱۵	-
۱۳۶۵	۲۲۵,۰۱۱	۹۳/۶۵	۱۱۵,۳۳۱	۶۹/۳۲
۱۳۷۵	۳۵۷,۱۳۸	۵۸/۸۷	۱۲۲,۱۲۵	۵/۸۹
۱۳۸۵	۵۵۶,۶۵۸	۵۵/۸۷	۲۲۱,۳۶۵	۸۱/۲۶
۱۳۹۰	۶۳۱,۴۵۷	۱۳/۴۴	۲۴۳,۳۳۵	۹/۹۲
۱۳۹۲	۶۶۴,۱۳۳	۴/۹	۱۱۰,۳۸۰	-۱۲۰/۴۵

منبع: گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، آذرماه ۱۳۹۵

می‌بینیم که مرتباً از تعداد ازدواج در روستاها کم شده تا آنجاکه در سال ۹۲ رشد منفی پیدا کرده، اما بر تعداد ازدواج‌ها در شهر افزوده شده است. بی‌شک این تفاوت به دلیل مهاجرت مردان جوان مجرد از روستاها به شهرهاست. این امر خود به مجرد ناخواسته دختران روستایی می‌انجامد که در بخش بعدی به آن می‌پردازیم. توجه به آمار جمعیتی نشان می‌دهد در سی سال اخیر به تدریج سن ازدواج افزایش یافته است، هرچند همواره میانگین سن ازدواج در مناطق شهری بالاتر از مناطق روستایی بوده است.

جدول ۳. میانگین سن اولین ازدواج بر حسب جنس در نقاط شهری و روستایی

سال	کل کشور		نقاط شهری		نقاط روستایی	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
آبان ۱۳۵۵.....	۲۴/۱	۱۹/۷	۲۵/۱	۲۰/۲	۲۲/۷	۱۹/۱
مهر ۱۳۶۵.....	۲۳/۶	۱۹/۸	۲۴/۲	۲۰/۰	۲۲/۶	۱۹/۶
مهر ۱۳۷۰.....	۲۴/۶	۲۰/۹	۲۴/۹	۲۱/۰	۲۳/۵	۲۰/۸
آبان ۱۳۷۵.....	۲۵/۶	۲۲/۴	۲۶/۲	۲۲/۵	۲۴/۵	۲۲/۳
آبان ۱۳۸۵.....	۲۶/۲	۲۳/۲	۲۶/۵	۲۳/۳	۲۵/۵	۲۳/۴
آبان ۱۳۹۰.....	۲۶/۷	۲۳/۴	۲۷/۱	۲۳/۶	۲۵/۸	۲۳

منبع: مرکز آمار ایران

بالاترین میانگین سن ازدواج مردان با رقم ۲۹/۶ مربوط به استان تهران و پایین‌ترین آن با رقم متعلق به استان سیستان و بلوچستان است. بالاترین میانگین سن ازدواج زنان متعلق به استان تهران با رقم ۲۵.۵ است و استان سیستان و بلوچستان با رقم ۲۱.۱ پایین‌ترین میانگین سن ازدواج زنان را به خود اختصاص داده است. در کنار آن تفاوت سنی زوجین نیز تغییر کرده است. در سال ۶۰ میانگین تفاوت سنی زوجین بیش از ۵ سال است اما میانگین اختلاف سنی زوجین در زمان ازدواج در سال ۹۰، حدود ۳ سال است.

تیموری منفرد (۱۳۹۴) در پژوهشی با هدف شناخت و بررسی تطبیقی الگوهای ازدواج در بین اقوام لر، فارس و عرب در شهر اهواز با تکیه بر دو دسته از نظریه‌های غربی مانند نظریه تغییرات فرهنگی، نظریه گذار دوم، نظریه مدرنیزاسیون و نظریه جوامع پیرامون مانند نظریه جهان-محلی شدن به بررسی الگوهای ازدواج در بین اقوام مختلف پرداخته است. بر این اساس ۳۸۳ نفر از افراد متأهل ۱۵-۴۹ ساله در بین سه قوم (لر، فارس، عرب) ساکن در شهر اهواز بررسی شده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از تفاوت‌های معنی‌دار قومی در الگوهای ازدواج بوده است. میانگین سن ازدواج در بین اعراب، پایین‌تر بوده و همچنین ازدواج خویشاوندی در بین آنان در مقایسه با قوم‌های لر و فارس رایج‌تر بوده است. بین میزان تحصیلات و میانگین سن ازدواج در هر سه قوم مطالعه‌شده رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود داشته است. میانگین سن ازدواج در متولدان شهر بیشتر از متولدان روستا بوده است، ولی بین میانگین سن ازدواج بر حسب نوع شغل، تفاوت معنی‌داری نبوده است. سن ازدواج در یک جامعه تا حدودی نشان‌دهنده شیوه سازماندهی زندگی خانوادگی و همچنین بیانگر فرصت‌هایی است که زنان و مردان جوان در زمان ازدواج از آن برخوردارند.

علل و پیامدهای افزایش سن ازدواج

محققان برای تبیین تغییرات مربوط به الگوی ازدواج (بالا رفتن سن ازدواج، افزایش مجرد قطعی و...) به عواملی نظیر صنعتی شدن، افزایش نقش زنان در اقتصاد خانواده، افزایش تحصیلات زنان همراه با استقلال اقتصادی آنان و تغییر در نگرش و ارزش‌های جوانان اشاره می‌کنند.

هزارجریبی و آستین‌فشان (۱۳۹۰) نیز به بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه گذشته (۱۳۸۵-۱۳۵۵) پرداخته‌اند. هدف اصلی این مقاله بررسی روند تحولات میانگین سن ازدواج زنان و عوامل اجتماعی- جمعیتی مؤثر بر آن در سال‌های ۸۵-۵۵ در سطح استان‌ها به تفکیک مناطق شهری و روستایی بوده است. نتایج این پژوهش نشان داده که میزان تحصیلات عالی و میزان باسواد بودن مردان، میزان بیکاری مردان و افزایش مشارکت اقتصادی زنان نقش مهمی در افزایش سن ازدواج در چهار دوره سرشماری داشته است.

پژوهش محمد و همکاران (۱۳۸۶) از جمله تحقیق‌هایی است که با استفاده از اطلاعات طرح ملی سلامت و بیماری در ایران و بر مبنای مدل و بر اساس روند تغییرات، سن اولین ازدواج زنان ایرانی را تجزیه و تحلیل کرده است. طرح سلامت و بیماری در سال ۱۳۷۸ در کل کشور به اجرا گذاشته شده و در آن یک‌هزارم جمعیت ایران به‌صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای که هر خوشه شامل ۸ خانوار بوده است، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نمونه مطالعه‌شده شامل حدود ۱۶۰۰۰ زن ۴۹-۱۵ ساله است که صفات بررسی‌شده در این افراد برای مطالعه حاضر عبارت بوده است از: سن فعلی، وضعیت تأهل، سن اولین ازدواج و منطقه سکونت (شهری و روستایی). میانگین سن اولین ازدواج در افراد متأهل، ۱۷/۸ با انحراف معیار ۳/۷ سال در کشور به‌دست آمده بود. پیاده‌سازی مدل براساس داده‌های فوق نشان داده است که نسبت زنان ازدواج‌کرده در تمامی گروه‌های سنی به‌خصوص گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله روندی کاملاً نزولی داشته و این نشان می‌دهد که سن ازدواج در کل کشور افزایش داشته است. این محققان در پایان بحث خود، علت بالا رفتن سن ازدواج را این موارد دانسته‌اند: توقعات، مهریه‌های سنگین، ازدواج‌های پرهزینه، بی‌توجهی به مسائل اخلاقی، فاصله فرهنگی

خانواده‌ها، بالا رفتن تحصیلات دختران و... . محققان این پژوهش نهایتاً اذعان نموده‌اند که بالا رفتن سن ازدواج عوارض متعددی از جمله کاهش میزان باروری دارد.

حبیب پورگتابی و غفاری (۱۳۹۰) در پژوهش خود به بررسی علل افزایش سن ازدواج دختران پرداخته‌اند. در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است و جامعه آماری آن را دو گروه دختران مجرد و زنان متأهل ۲۵ تا ۴۴ ساله ساکن در مراکز شهری کشور تشکیل داده‌اند. حجم نمونه برابر با ۱۲۹۱ نفر از این دختران در ۵ مرکز شهر تهران، ساری، خرم‌آباد، مشهد و سمنندج بوده است. نتایج این پژوهش نشان داد دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند، از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نگرش فرامادی به ازدواج دارند و اعتقاد بیشتری دارند که هزینه فرصت‌هایی که با ازدواج از دست می‌رود، بیش از فرصت ازدواج است. دلالت نتایج بر آن است که همراه با تجربه مدرنیته در سطوح کلان، میانی و خرد چنانچه این تجربه بدون سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب حاصل گردد و از طرفی شرایط جامعه چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ اجتماعی - فرهنگی آمادگی پذیرش چنین تحولاتی را نداشته باشد، تبعات منفی آن بیش از دستاوردهای مثبتش خواهد بود.

پژوهش مرادی و صفاریان (۱۳۹۱) با هدف شناخت عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان با تأکید خاص بر شهر کرمانشاه در میان ۳۸۰ نفر از دختران و پسران ۲۵ تا ۳۹ ساله انجام گردیده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که بین متغیرهایی چون نگرش افراد به برابری جنسیتی، سبک فرزندپروری دموکراتیک، سبک فرزندپروری استبدادی، تحصیلات و میزان لذت بردن از مجردی، میزان سخت‌گیری والدین و سطح انتظاراتها ارتباط معناداری وجود داشته است. نتایج حاصل از رگرسیون نشان می‌دهد که مقدار استفاده از رسانه‌ها، متغیرهای میزان دخالت والدین، سبک فرزندپروری، نابرابری جنسیتی، وضعیت مسکن و اندازه اعتماد به نفس به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند، وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. این متغیرها روی هم رفته ۴۸ درصد از فضای مفهومی متغیر وابسته (سن ازدواج) را تبیین و پیش‌بینی نموده‌اند.

کاری (۱۳۸۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی تأثیر تحصیلات و اشتغال زنان بر تأخیر در سن ازدواج در تهران پرداخته است. وی فرضیات مدل خود را بر اساس مدل دیکسون در تأخیر سن ازدواج مطرح

می‌کند که عبارتند از: دسترسی، امکان و تمایل. هرچه گزینه‌های همسر آزادتر، میزان توقعات اجتماعی بیشتر و فشار اجتماعی بر تمایل فرد زیادتر باشد، سن ازدواج نیز افزایش می‌یابد. یافته‌های حاصل از بررسی ۲۵۶ نفر از زنان تهران حاکی از رابطه معنی‌داری بین تحصیلات، منزلت شغلی و سن ازدواج بوده است. رگرسیون تحلیل نیز در این پژوهش مبین آن بوده است که متغیرهای موجود در این تحقیق ۴۶٪ از تغییرات سن ازدواج را تبیین و پیش‌بینی کرده‌اند.

صادقی و همکاران (۱۳۸۶) در بررسی خود به دنبال واکاوی مسأله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل بوده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که حدود ۹۰ درصد جوانان معتقدند موقعیت ایده‌آل ازدواج برای پسران، بعد از اشتغال به کار و دارا بودن شرایط مالی مناسب به وجود می‌آید؛ همچنین حدود نیمی از جوانان پاسخگو مناسب‌ترین موقعیت ازدواج برای دختران را بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی و کسب استقلال اقتصادی بیان نموده‌اند که در واقع بیانگر نوعی تغییر ارزشی در جامعه و ظهور نقش‌های اجتماعی جدید برای زنان بوده است. از دیگر نتایج این پژوهش آن بوده است که مدرنیزاسیون و ابعاد آن همراه با اعتقادات و ارزش‌های قومی - فرهنگی از عوامل تعیین‌کننده نگرش‌ها و ایده‌آل‌های ازدواج جوانان است. درباره تبدیل شدن ازدواج به یک مسأله اجتماعی، جوانان بر این عقیده بوده‌اند که عوامل مختلفی مانند مشکل دستیابی جوانان پسر به فرصت‌های اقتصادی و نداشتن شغل دائم، پیدا نکردن فرد مناسب، نابرابری جنسیتی در فرآیند ازدواج (نداشتن حق انتخاب همسر توسط دختران) و... زمینه‌ساز مسأله ازدواج نکردن شده است.

با توجه به مسأله شدن ازدواج و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن، ازدواج موقت به‌عنوان یک راه حل برای برون‌رفت از این وضعیت پیشنهاد شده و مورد توجه قرار گرفته است. حال آن‌که اعتبارسنجی این راه حل در میان جوانان نشان داده است که ازدواج موقت به‌مثابه راه حل مسأله اعتبار و پذیرش اجتماعی نداشته و با مخالفت شدید ارزشی جوانان همراه بوده است. بدین ترتیب ازدواج موقت به‌عنوان یک راه حل به دلایلی - چون منطبق نبودن آن با فرهنگ و ارزش‌های جامعه، سست کردن بنیان خانواده، گسترش فحشا و آسیب‌های اجتماعی، افزایش طلاق، فرار دختران و زنان از خانه، رواج هوسرانی و بی‌بندوباری جنسی، افزایش

شمار کودکان بی‌هویت و بدون شناسنامه، امکان سوءاستفاده مردان از ازدواج موقت و مردسالارانه بودن آن، توهین به مقام و ارزش زن و تبدیل شدن زن به کالایی با تاریخ مصرف مشخص، نادیده گرفتن عواطف انسانی و طرد شدن افرادی که ازدواج موقت کرده‌اند- پذیرفته نبوده است و از این رو نمی‌توان بر آن به‌منزله راهکاری برای حل مسأله ازدواج در ایران تأکید کرد.

قلیلی رنالی (۱۳۹۱) در پژوهش خود به شناسایی معیارهای آمادگی برای ازدواج از دیدگاه جوانان، والدین و کارشناسان، ارائه معیارهای بومی این آمادگی و بررسی میزان آمادگی جوانان شهر اصفهان پرداخته است. در مرحله اول این تحقیق، پژوهشگر با انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با سه گروه از جوانان در آستانه ازدواج، پدر و مادرهایی که فرزند در آستانه ازدواج داشتند و کارشناسان و مشاوران ازدواج به شناسایی و مقایسه مقوله‌های آمادگی برای ازدواج از دیدگاه آن‌ها پرداخته است. تحقیق با اجرای این پرسشنامه روی ۲۴۵ نفر از جوانان در آستانه ازدواج شهر اصفهان که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند، اجرا گردیده است و میزان آمادگی برای ازدواج در آن‌ها بررسی شده است. از طریق تحلیل اکتشافی عوامل پرسشنامه، ۱۱ عامل برای آمادگی ازدواج استخراج شده است.

در تحلیل تأییدی عوامل آمادگی برای ازدواج بر سه عامل آمادگی فردی، آمادگی بین‌فردی و آمادگی زمینه‌ای تأیید شده است. از نتایج بخش کیفی تحقیق، ۱۱ مفهوم کفایت عقلی، آمادگی اخلاقی، مدیریت هیجان، آمادگی شخصیتی، سلامت روان‌شناختی، نقش‌های مربوط به خانواده، مهارت ارتباط، آمادگی جسمی، آمادگی مالی، آمادگی خانوادگی و آمادگی اجتماعی به‌عنوان معیارهای آمادگی ازدواج به‌دست آمد. این مفاهیم، سرانجام در مقوله‌های آمادگی فردی، آمادگی بین‌فردی و آمادگی زمینه‌ای دسته‌بندی شد. یافته‌های بخش کمی تحقیق نیز نشان داد که آمادگی کلی ازدواج در جوانان اصفهان و آمادگی آن‌ها در حیطه‌های مهارت بین‌فردی و آمادگی زمینه‌ای به‌طور معناداری از متوسط پایین‌تر بود، اما میانگین آمادگی فردی به‌شکل معناداری از میانگین بالاتر بوده است. بین دختران و پسران درباره آمادگی کلی برای ازدواج تفاوت معناداری یافت نشده است. هیچ کدام از متغیرهای جنسیت، سن، تحصیلات و اشتغال در آمادگی ازدواج تأثیر نداشته‌اند.

جز خرده‌مقیاس کفایت عقلی در سایر خرده‌مقیاس‌ها بین پسران و دختران تفاوت معناداری دیده نشده است. مقدس جعفری و یعقوبی چوبری (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان تغییرات، ویژگی‌ها و موانع ازدواج در استان گیلان با تأکید بر شهرستان رشت به این مسأله پرداخته‌اند که روند تغییرات، ویژگی‌ها، چالش‌ها و موانع ازدواج در سطح استان گیلان و شهرستان رشت چگونه است؟ روش تحقیق در پژوهش حاضر، به‌صورت اسنادی-پیمایشی و جامعه آماری در بخش پیمایشی، شامل کلیه پسران و دختران ازدواج‌نکرده در گروه سنی ۲۵-۳۹ ساله شهر رشت بوده است. نتایج به‌دست‌آمده از اطلاعات اسنادی و تجربی این پژوهش نشان می‌دهند که ازدواج تحت تأثیر عوامل و پدیده‌های طبیعی و سیاسی کلان چون زلزله، انقلاب و جنگ و نیز عوامل اجتماعی میانه و خرد مانند نداشتن شغل مناسب، نداشتن درآمد کافی، نبود مسکن، مشکلات تحصیلی، نیافتن همسر دلخواه، بالا بودن هزینه ازدواج، مهریه و جهیزیه، افزایش سطح توقعات زوج‌ها و خانواده‌ها، داشتن برادر و خواهر بزرگ‌تر و مجرد، عدم حمایت مؤسسات دولتی، تردید در تصمیم‌گیری و نظایر آن قرار دارد.

این در حالی است که کنعانی (۱۳۸۵) پیوند سنت و نوسازی را عاملی مؤثر بر افزایش سن ازدواج می‌داند. وی در پژوهش خود ابتدا مروری بر آثار مردم‌شناختی و گزارش‌های منتشرشده درباره سن ازدواج در میان ایرانیان ترکمن داشته و سپس از روی منابع آماری موجود مانند سرشماری‌ها و آمارگیری‌های نمونه‌ای در مناطق سکونی ترکمن‌ها به تحلیل این پدیده پرداخته است. این بررسی نشان می‌دهد که اگرچه در گذشته ازدواج زودرس در میان این مردم به‌ویژه زنان نسبتاً شایع بوده ولی در چند دهه اخیر، متوسط سن ازدواج در هر دو جنس به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است و زنان و مردان به‌صورت متوسط در سنین نسبتاً بالایی وارد زندگی زناشویی می‌شوند. به نظر او همان‌طور که گفته شد، عامل نوسازی بر افزایش سن ازدواج ترکمن‌ها تأثیر داشته است، چنان‌که افزایش سن ازدواج از زمانی شدت گرفته که برخی از مشخصه‌های نوسازی مانند سواد در میان آن جامعه رونق یافته است اما درحقیقت، برخی هنجارهای سنتی حاکم بر ازدواج مانند پدیده درون‌همسری و رسم پرداخت شیربها از طرف خانواده داماد در ترکیب با میزان‌های بالای سواد در اثر جریان

نوسازی و میزان‌های بالای بیکاری در اثر به‌هم‌خوردن ساختارهای اقتصادی و اجتماعی نیز تأثیر عمده‌ای در افزایش سن ازدواج این مردم داشته است.

مسئله ازدواج دختران روستایی

در مناطق روستایی، مهاجرت مردان به شهرها و به‌هم‌خوردن نسبت جنسیتی باعث ماندن دختران روستایی شده است. مجدالدین (۱۳۸۶) به بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آستیان پرداخته است. وی به توضیح عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج می‌پردازد. با نگاه انتقادی به وضعیت اقتصادی و بر اساس تئوری رکودی، مشخص خواهد شد که یکی از اساسی‌ترین عوامل تأخیر ازدواج در میان جوانان روستاهای ذکرشده ناسازگاری نیازها با شرایط محیط و ضعف در مدیریت اقتصادی جامعه است؛ به‌طوری‌که افزایش مشکلات اقتصادی و مؤلفه‌های مهم تورم رکودی چون تورم، رکود، کاهش تولید، بیکاری، مصرف‌گرایی و افزایش سطح انتظاراتها آثار منفی بر سن ازدواج جوانان گذاشته و موانع و مشکلاتی را در عرصه اقتصادی در سر راه ازدواج جوانان به‌وجود آورده است. می‌توان نتیجه گرفت که در روستاهای ایران امکان دستیابی به راه‌ها و وسایل مورد نیاز برای ازدواج کردن کم است و در بین هدف و راه‌های رسیدن به آن گسست قابل تأملی ایجاد شده که در میان دختران و زنان نمود ویژه‌ای یافته است؛ چراکه زنان جامعه روستایی به دلیل نداشتن استقلال و آزادی‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه مردسالار و پدرسالار حاکم بر جوامع روستایی، کمتر امکان تصمیم‌گیری مستقل دارند و بیشتر در قلمرو هم‌نویان و رسم‌گرایان و منزویان جامعه قرار می‌گیرند؛ یعنی این امکان و آزادی را ندارند که همانند پسرها برای کسب تخصص و شغل، مهاجرت کنند و با محدودیت‌های فراوانی روبه‌رو هستند.

نگاه‌ها و حرف‌های طعنه‌آمیز، تحقیرآمیز و ترحم‌سایرین؛ گسترش شایعات؛ تبعیض؛ وابستگی؛ شرمساری؛ سرزنش؛ احساس تنهایی؛ ترس؛ انتظار؛ رنج؛ بیماری جسمی؛ افسردگی و نگرانی درباره آینده برخی از مسائل دختران مجرد روستایی است. انزوا، ضعف در روابط اجتماعی با افرادی خارج از دایره خانواده و خویشاوندان؛

عدم حضور در اجتماع برای شرکت در مراسم، در اشتغال، در یادگیری مهارت و در گذران اوقات فراغت از پیامدهای وضعیت فوق است (فرضی‌زاده، ۱۳۹۳). فشار روانی تجرد و امکانات محدود باعث می‌شود که بسیاری از دختران روستایی مجردمانده در سن بالا به‌عنوان همسر دوم با مردان مسن‌تر از خود ازدواج کنند.

خانواده‌های تک‌نفره

درصد قابل توجهی از جوانان ایرانی ساکن در شهرهای بزرگی چون تهران، تبریز، اصفهان، مشهد، اهواز و شیراز زندگی مجردی را انتخاب کرده‌اند. نسبت جمعیت هرگز ازدواج‌نکرده در همه گروه‌های سنی برای مردان افزایش یافته است. طبق نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، در شهر تهران در گروه سنی ۱۵ تا ۳۹ سال، یک میلیون مرد مجرد (شامل بی‌همسر به دلیل فوت، بی‌همسر به دلیل طلاق و هرگز ازدواج‌نکرده) وجود دارد و ۷۹۰ هزار مرد دارای همسر. این ارقام برای زنان ساکن تهران در همین گروه سنی عبارتند از ۸۴۵ هزار زن مجرد (شامل بی‌همسر به دلیل فوت، بی‌همسر به دلیل طلاق و هرگز ازدواج‌نکرده) و یک میلیون زن دارای همسر اما همه مجردها مستقل و مجردی زندگی نمی‌کنند، بلکه بسیاری از آن‌ها به همراه خانواده و در منزل پدری خود ساکن‌اند. به‌درستی مشخص نیست که چه تعداد از خانوارهای معمولی، تک‌نفره‌اند و زندگی آن‌ها مجردی محسوب می‌شود. آمار دقیقی نیز از تعداد خانه‌های مجردی دختران و پسران در تهران در دست نیست. تنها به استناد سرشماری سال ۹۰ می‌توان گفت که در کل کشور حدود ۳۰۰ هزار خانوار تک‌نفره وجود دارد که در گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ ساله‌اند و ۹۵ هزار نفر آنان زنان خودسرپرست محسوب می‌شوند.

در کنار بالا رفتن سن ازدواج، شاهد افزایش تعداد کسانی هستیم که از سن متعارف ازدواج عبور کرده‌اند و قبل از سن تجرد قطعی قرار دارند (سن تجرد قطعی ۴۹ سالگی است) اما هنوز ازدواج نکرده‌اند. بر اساس سرشماری سال ۹۰ این گروه یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفرند که شامل ۳۲۰ هزار مرد و ۹۸۰ هزار زن می‌شود؛ یعنی زنان هرگز ازدواج‌نکرده بالای سن متعارف و قبل از تجرد قطعی، سه برابر مردان با این شرایط‌اند.

دلایل مجرد قطعی هم خودخواسته و هم ناخواسته است. از آنجا که ازدواج باید همراه با مسئولیت پذیری و قبول برخی از خودگذشتگی‌ها باشد، تعدادی از مردان و زنان ترجیح می‌دهند که فارغ از این گونه نگرانی‌ها و دلبستگی‌ها که در زندگی زناشویی وجود دارد، آزاد و رها از هر مسئولیتی در دنیای شخصی خود زندگی کنند و از دوران مجردی لذت ببرند. از آنجا که بار مسئولیت مالی خانواده برای مردان سنگین‌تر است، عدم قبول مسئولیت از سوی آن‌ها در بالا رفتن سن ازدواج، وزن بیشتری دارد.

هنجارهای فرهنگی مردسالارانه نیز این وضعیت را تشدید می‌کند؛ بنابر این هنجارها هیچ سنی برای ازدواج مرد دیر نیست و اختلاف سنی مرد با همسرش می‌تواند بسیار زیاد باشد. یک مرد پنجاه‌ساله با آسودگی می‌تواند با زنی سی‌ساله ازدواج کند اما زنان به دلیل محدودیت سن باروری، نمی‌توانند چنین فرصتی داشته باشند. زن سی و سه ساله خواستگاران محدودی در گروه سنی خود (۳۰-۳۴ ساله) دارد و مردان گروه سنی او ازدواج با دختران گروه سنی کوچکتر (۲۹-۲۵ ساله) را ترجیح می‌دهند. با آن‌که برخی دختران به علت سخت‌گیری‌ها و وسواس‌های افراطی، بالا بودن سطح توقعات، داشتن معیارهای نامناسب در انتخاب همسر و... در عالم مجردی باقی می‌مانند اما اکثریت دختران به دلایل ناخواسته چون نداشتن خواستگار مناسب، سخت‌گیری‌های نابه‌جای پدر و مادرشان، فراهم نشدن زمینه‌های اقتصادی و... بدون تمایل شخصی گرفتار این پدیده می‌شوند. کاهش تعداد فرزندان و کاهش درصد رشد جمعیت، افزایش روابط فرازناشویی و... پیامد این وضعیت است.

ازدواج در سن پایین

ازدواج زودرس که به‌صورت ازدواج قبل از ۱۸ سالگی تعریف می‌شود، هر دو جنس را متأثر می‌سازد اما دختران بیشتر در معرض آن هستند و آسیب‌ها و عوارض شدیدی را متحمل می‌گردند. صندوق کودکان سازمان ملل، یونیسف، اعلام کرد درحال حاضر حدود ۱۲۵ میلیون دختر آفریقایی در سنین خردسالی وادار به ازدواج شده‌اند و هشدار داد که این رقم- عمدتاً به دلیل ضعف آموزش و رشد سریع جمعیت در این کشورها- در ۳۵ سال آینده به ۳۱۰ میلیون نفر خواهد رسید. کشورهای آسیایی به‌خصوص کشورهای اسلامی نیز آمار بالایی در ازدواج دختران زیر ۱۸ سال دارند. بر اساس آمار سال ۲۰۱۳ حدود ۳۰ درصد دختران ۱۵-۱۹ ساله در جنوب آسیا یا متأهلند یا در حال ازدواج. درصد ازدواج در بین کودکان زیر ۱۸ سال در اردن ۱۰، در لبنان ۱۱، در سوریه ۱۳، در مراکش ۱۶، در عراق ۱۷، در مصر ۱۷، در فلسطین ۱۹، و در یمن ۳۲ درصد است.

در جدیدترین آمارهای سازمان ثبت احوال کشور در سال‌های ۸۳ تا ۹۳ تعداد ۴۱۹ هزار و ۴۸۸ دختر زیر ۱۵ سال و ۴۸۴ هزار و ۸۸۵ پسر زیر ۲۰ سال ازدواج کرده‌اند. بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ در سن بین ۱۰ تا ۱۴ سال نیز ۴۸ هزار و ۵۶۷ نفر ازدواج زود هنگام داشته‌اند و حتی تا قبل از ۱۵ سالگی دارای یک فرزند بوده‌اند. بر اساس آمار ثبت احوال ایران در سال ۹۴ بیش از ۳۷ هزار دختر با سن کمتر از ۱۵ سال ازدواج کرده‌اند و بر اساس تحقیقات منتشر شده بیش از ۹۰ درصد این نوع ازدواج‌ها از پیش تعیین شده بوده و ۷۵ درصد عروسان خردسال پس از ازدواج از تحصیل بازمانده‌اند. شهلا اعزازی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی در آرم‌ماه ۱۳۹۵ در سمیناری به نام «ازدواج کودک» اعلام کرد، آمار ازدواج کودکان در ایران نسبت به سال قبل، ۱۰ هزار نفر بیشتر شده و طلاق در سن ۱۰ تا ۱۸ سالگی افزایش پیدا کرده است. او از وجود ۴۳ هزار ازدواج در دختر بچه‌های ۱۰ تا ۱۵ ساله در کشور خبر داد که از این تعداد دوهزار دختر بچه و پسر بچه از همسر خود جدا شده یا بیوه شده‌اند.

مقوله ازدواج در سنین پایین در استان‌های جنوبی همچون هرمزگان، سیستان و بلوچستان و خوزستان رواج بیشتری دارد. این ازدواج‌ها معمولاً بیشتر در حاشیه شهرهای بزرگ، شهرهای کوچک و روستاها اتفاق می‌افتد.

رواج فرهنگ عشیره‌ای و طایفه‌ای و برخی باورهای سنتی باعث شده است تا هنوز بسیاری از اهالی استان سیستان و بلوچستان، خود را از داشتن شناسنامه بی‌نیاز بدانند. در این استان پهناور افراد زیادی بدون ثبت رسمی ازدواج به صورت کاملاً سنتی با هم زندگی می‌کنند، طلاق‌شان ثبت نمی‌شود و کودکان حاصل از این ازدواج‌ها نه شناسنامه‌ای دارند و نه هویتی؛ به طوری که با استناد به آمار سال ۸۳ بیش از ۴۰ درصد ولادت نوزادان در استان، متعلق به پدر و مادری بوده که ازدواجشان ثبت نشده است.

ازدواج در سن پایین در قانون و فقه

ازدواج کودکان هم در سنت و هم در قانون ایران وجود دارد. در قانون مدنی سال ۱۳۱۳ در ماده ۱۰۴۱ درباره سن ازدواج چنین آمده بود: «نکاح انث، قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور، قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، ممنوع است. مع ذلک در مواردی که مصالحی اقتضا کند با پیشنهاد مدعی‌العموم و تصویب محکمه، ممکن است استثنائاً معافیت از شرط سن اعطا شود ولی در هر حال، این معافیت نمی‌تواند به انائی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و ذکوری را شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند». در سال ۴۶ قانون حمایت خانواده به تصویب رسید و این ماده بدون تغییر در این قانون آمد. در سال ۵۳ قانون حمایت خانواده تغییر یافت و بر اساس ماده ۲۳، سن ازدواج افزایش چشم‌گیری پیدا کرد و سن ازدواج دختر ۱۸ سال و سن ازدواج پسر ۲۰ سال در نظر گرفته شد. در عین حال این امکان وجود داشت که قبل از ۱۸ سال هم به شرط استعداد جسمی و روانی برای زندگی زناشویی و همچنین تصویب دادگاه شهرستان به عنوان شرط، ازدواج انجام پذیرد؛ با این همه این امکان برای افراد زیر ۱۵ سال وجود نداشت. در سال ۶۱ که دوباره با یک تبصره، اصلاحاتی در ماده ۱۰۴۱ به وجود آمد در سن ازدواج کاهش چشم‌گیری ایجاد شد و سن ازدواج برابر با سن بلوغ تعیین شد و قبل از آن، ازدواج ممنوع گردید اما دوباره در تبصره گفته شد که با اجازه ولی و به شرط رعایت مصلحت، صحیح است؛ در سال ۷۰ بر اساس ماده ۱۰۴۱، نکاح قبل از بلوغ ممنوع اعلام شد. در سال ۷۵ ماده ۶۴۶ قانون تعزیرات به عنوان ضمانت اجرای ماده ۱۰۴۱ تصویب شد؛ سپس مجلس در

ماده ۱۰۴۱ بازنگری کرد اما با توجه به مخالفت شورای نگهبان، مصوبه مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده شد و در سال ۸۱ این ماده در مجمع به تصویب رسید. در سال ۱۳۸۱ قانونگذاران وقت با تغییر این ماده حداقل سن قانونی برای ازدواج را افزایش دادند. ۹ سال تمام قمری برای دختران به ۱۳ سال تمام شمسی تغییر یافت و ۱۵ سال تمام قمری برای پسران به ۱۵ سال تمام شمسی بدل شد. در واقع حداقل سن ازدواج برای دختران، افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت ولی برای پسران تغییر چندانی نداشت؛ البته باید به این نکته مهم توجه داشت که اگرچه بر اساس ماده ۱۰۴۱ اصلاحی سال ۱۳۷۰، نکاح قبل از بلوغ ممنوع است اما در سال ۱۳۸۱ ازدواج اطفال زیر ۱۳ و ۱۵ سال به کلی منع نشد بلکه قانونگذاران برای تأمین نظر شورای محترم نگهبان، متن ماده را اینچنین تنظیم نمودند: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولیّ به شرط رعایت مصلحت و با تشخیص دادگاه صالح».

فصل هفتم (مقررات کیفری) قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱، می‌گوید ازدواج خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی جرم تلقی شده و مرد مرتکب جرم به مجازات‌های کیفری اعم از حبس یا جزای نقدی یا شلاق و محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شده است. برای ضمانت اجرای ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، مواد ۴۹ و ۵۰ قانون حمایت از خانواده وضع گردید.

ماده ۴۹- «چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق، استتکاف کند نیز مقرر است».

ماده ۵۰- «هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی، ازدواج کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. هرگاه ازدواج مذکور به موقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد،

زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به موقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود» و همچنین بر اساس تبصره همین ماده- «هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسئول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است».

مشکلات و خلأهای قانونی عبارتند از:

یکی از مشکلات حقوقی دخترانی که زیر ۱۸ سالگی یا بر اساس عرف و اجازه ولی ازدواج می‌کنند، آن است که بسیاری از ایشان حکم رشد ندارند؛ به عبارت دیگر، این کودکان در ۱۳ سالگی ازدواج می‌کنند درحالی که سن رشد در قانون جمهوری اسلامی ۱۸ سالگی است از این رو این زنان نمی‌توانند مهریه و نفقه خود را دریافت کنند و در حساب پس‌اندازی بگذارند، بر این اساس اموال صغیری را که بالغ شده است در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد.

همچنین تعریف و مصادیق مصلحت در قانون مشخص نیست. وقتی به کل سیر تاریخی ماده قانونی نگاه می‌کنیم در هیچ کجا تعریف نشده است مصلحت و مصادیق آن چیست. ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده اشاره‌ای کرده است که شاید بتوان ذیل بحث مصلحت به آن پرداخت. در این ماده آمده برای زندگی زناشویی، استعداد جسمی و روانی کودک باید در نظر گرفته شود که درباره بحث مصلحت این تنها نکته‌ای است که به آن اشاره شده است؛ درحالی که مصالح اجتماعی و تحصیلی و اقتصادی مغفول واقع شده است. درحالی که هم‌بستر شدن قبل از سن بلوغ حرام است، در ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده این مسأله شناسایی نشده و درواقع، هم‌بستر شدن به رسمیت شناخته شده است؛ فقط گفته شده اگر این موقعه منتهی به نقص عضو، فوت فرد یا مرض دائمی شود، برای آن مجازات در نظر گرفته شده است.

اسداللهی غلامی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود چنین عنوان می‌کند که فقهای اسلام، اصل تزویج کودکان را پذیرفته‌اند و در این زمینه افزون بر اجماع، ادله عامه و روایت‌های خاصه‌ای وجود دارد.

مشهور فقهای امامیه به سلب اختیار از دختر نابالغی که ولایهٔ از سوی پدر و جد پدری به تزویج درآمده است، فتوی دادند و درباره پسر نابالغی که برایش همسر انتخاب شده کثیری از فقها قائل به سلب اختیار از او پس از رسیدن به سن بلوغ شده‌اند. در فقه و حقوق کنونی، ازدواج دارای شرایط خاصی است که کودک فاقد آن شرایط است؛ از جمله قصد رضای طرفین، اختیار، بلوغ و... حقوقدان‌ها برای حل این مشکل در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، سن ازدواج را برای دختران ۱۵ سال تمام و برای پسران ۱۸ سال تمام پیشنهاد داده‌اند. در صورت عدول از این ماده تمام آثار حقوقی ازدواج طبیعی بر آن بار می‌شود، مگر در مواقعی که دختران نابالغ نه تنها مکلف به تمکین جنسی نیستند بلکه عمل زناشویی با آنان مطلقاً ممنوع و مجازات‌هایی را در پی دارد که ۶ ماه تا دو سال حبس است. اگر کودک پدر یا جد پدری داشت، این اجازه را او به کودک می‌دهد و سایر اعضای خانواده در این باره سهمی ندارند؛ در صورت فوت اولیای قهری، تصویب اراده او با قیم است و قیم، شخص خارجی است؛ بدین ترتیب باید پذیرفت که دخالت ولی قهری در ازدواج فرزند صغیر خود کمتر چهره حمایتی دارد و محدود به مصلحت مولی علیه است و دختر و پسر صغیر از این حیث با هم تفاوتی ندارند. این ولایت در اثر فوت و زوال عقل ساقط می‌شود؛ بنابراین پس از مرگ ولی قهری، قیم یا وصی نمی‌تواند به نمایندگی ولی قهری کودک برای او تصمیم بگیرد؛ پس ذکوری که قبل از ۱۸ سال تمام بخواهند ازدواج کنند باید از دادگاه معافیت از شرط سن بخواهند تا عقد به وسیله دادگاه منعقد شود و صحت آن هم منوط به اجازه ولی یا قیم خواهد بود.

آیت‌الله مکارم شیرازی، مرجع تقلید شیعه درباره ازدواج کودکان می‌فرمایند که «من از نظر فتوا این اجازه را نداده و نمی‌دهم». ایشان درباره ازدواج بر مفهوم «بلوغ عقلی و قدرت تصمیم‌گیری» تأکید کرده‌اند: «ممکن است در گذشته چنین چیزی جایز بوده اما اکنون به خاطر مفاسدی که دارد تا زمانی که دختر به بلوغ عقلی نرسد و قدرت تصمیم‌گیری نداشته باشد، اجازه ازدواج ندارد و حکم باطل بودن چنین ازدواجی را می‌دهم».

شاهی‌نیار (۱۳۹۴) در پژوهش خود این‌گونه عنوان می‌کند که به رسمیت شناخته شدن حقوق افراد، منجر به صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) شد که در این اعلامیه حقوق بنیادین تمام افراد بدون در

نظر گرفتن سن، جنس، رنگ، مذهب و... مورد حمایت قرار گرفت؛ مواد (۱، ۲، ۳، ۴، ۱۶، ۲۲، ۲۳، ۲۶) حقوقی از قبیل حق حیات، منع بردگی، حق تشکیل خانواده، توجه به تکامل شخصیت، حق داشتن شغل و برخورداری از سطح معیشت کافی برای سلامتی و رفاه را مورد شناسایی قرار داده است و در ماده ۲۵ به حقوق مادران و کودکان توجه ویژه‌ای شده است. به دنبال اعلامیه جهانی حقوق بشر، از حقوق بنیادین کودکان به صورت مجزا در کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۹۸) که کامل‌ترین سند بین‌المللی حقوق کودکان است، حمایت شده است. شاهی‌نیا در پژوهش خود سعی کرده است با تکیه بر بررسی مواد مندرج در اسناد بین‌المللی خصوصاً منشور و کنوانسیون حقوق کودک و با در نظر داشتن این که مهم‌ترین هدف کنوانسیون، پایه‌ریزی کردن تمام امور کودکان بر پایه منافع عالی آنان است و با دقت شدن در مواد (۳، ۵، ۶، ۱۲، ۱۹، ۲۷، ۲۴، ۲۸، ۳۱ و ۳۴) به این نتیجه رسیده است که علاوه بر مواد مندرج در منشور حقوقی از قبیل حق تحصیل، حق سلامتی و حق رهایی از فقر که برای کودکان بنیادین تلقی می‌شود، وقتی کودک ازدواج می‌کند تمامی این حقوق، نقض می‌گردد و از آنجایی که هدف امنیت انسانی در معنای کنونی، حمایت و توانمندسازی افراد با شناسایی کردن حقوق بنیادین بشر، ارتقای سطح کیفی زندگی افراد و دستیابی به توسعه انسانی است، محقق این پژوهش مسأله ازدواج کودکان را مانعی برای دستیابی امنیت انسانی به هدف‌هایش، معرفی می‌کند.

در بهمن‌ماه سال ۹۴ کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد از ایران خواسته بود تا از جمله در قوانین مرتبط با ازدواج کودکان بازنگری کند.

علل و پیامدهای ازدواج در سن پایین

ازدواج در سن پایین معمولاً ازدواج اجباری و ترتیب‌یافته است. ازدواج زود هنگام دختران معمولاً یک اقدام پیشگیرانه برای حفظ آبروی خانواده و پاکدامنی دختر است، به‌خصوص در جاهایی مثل هند که خشونت‌های جنسی علیه زنان وجود دارد، از نظر مالی هم دختران بار اضافی تلقی می‌شوند.

در مجموع، دلایل ازدواج زود هنگام این موارد عنوان شده است: تبعیض جنسیتی (برای زنان به‌عنوان دختر

یا مادر ارزش زیادی قائل نیستند)، تحصیلات پایین (بیشتر کودکان متأهل، تحصیلات پایین دارند و سطح تحصیلات همواره رابطه مستقیمی با ازدواج زود هنگام دارد)، فقر، بلایای طبیعی هم همواره در پی رخ دادنش، بالا رفتن آمار ازدواج دختر بچه‌ها را در پی دارد. تعداد زیادی از دختران کم‌سن پس از سونامی بزرگ جنوب آسیا با مردان بیوه بزرگ‌تر از خود ازدواج کردند. خشکسالی‌ها هم مؤثرند. کلاً در این شرایط، جوامع دچار بی‌ثباتی می‌شوند و خانواده‌ها بر اثر فقر ترجیح می‌دهند زودتر دختران خود را رد کنند. ضمانت اجرایی نداشتن و برد پایین قوانین نیز مؤثرند.

پیامدهای ازدواج زود هنگام آشکارند و مانع ادامه تحصیل می‌شوند. ازدواج زود هنگام با دختر نابالغی که آمادگی جسمی کافی ندارد به‌ویژه با مردان بزرگسال پیامدهای فیزیکی و بدنی زیادی از نظر سلامتی دارد. معمولاً حاملگی زود هنگام رخ می‌دهد که برای سلامتی مادر و نوزاد پیامدهای منفی دارد. بر اساس مطالعات انجام‌شده همبستگی قوی بین سن مادر و نرخ مرگ‌ومیر مادر وجود دارد. ازدواج زود هنگام و بارداری زودرس در بین دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله ۵ برابر بیش از زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله تلفات جانی هم برای مادر و هم جنین به همراه دارد. کودکان متأهل، بیشتر در معرض بیماری‌های مقاربتی قرار دارند. کودکان متأهل بیشتر در معرض سوءاستفاده و خشونت‌های خانگی‌اند و سلامت روانی پایین‌تری دارند. ازدواج زود هنگام الزامات قابل توجهی روی عروس‌های خردسال از نظر سطح پایین آموزش، بهداشت ناچیز، نبود استقلال شخصی دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد چنین موقعیتی سبب می‌شود فرآیند جامعه‌پذیری دختران خردسال از انواع تحولات شناختی و جسمی، روحی و فکری به نقش باروری تقلیل یابد. در ازدواج کودکان، یک چرخه باطل وجود دارد: ازدواج در سن پایین، تحصیلات کم، باروری بالا و فقر.

پژوهش لطفی (۱۳۸۹) از جمله پژوهش‌هایی است که پیامدهای سلامتی ازدواج زودرس در زنان را بررسی می‌کند. این پژوهشگر بر این اعتقاد است از آنجاکه این واقعه بیشتر در بستر فقر و نابرابری جنسیتی رخ می‌دهد، دارای جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است و برخی علل آن عبارتند از: فقر، پیشگیری از فعالیت جنسی زودرس و حفظ آبروی خانوادگی. عوامل فرهنگی و اجتماعی ازدواج زودرس می‌تواند منجر به

افزایش تعداد فرزندان، حاملگی و زایمان زودرس، مرگومیر مادر نوجوان در حین بارداری و زایمان، انزوای اجتماعی، افسردگی، خودکشی و همسرکشی گردد. این افراد معمولاً تحصیلات، درآمد و استقلال کمتری دارند و بیشتر در معرض خشونت قرار می‌گیرند. توان زنان نوجوان در مشارکت در سلامت باروری کاهش می‌یابد و حتی گاهی اختیار دریافت مراقبت بهداشتی را به دلایل مختلف ندارند. درنهایت، لطفی افزایش سن قانونی ازدواج و لازم‌الاجرا کردن آن، افزایش دسترسی دختران به تحصیلات، اشتغال مناسب، بالا بردن آگاهی جامعه درباره عوارض ازدواج زودرس و اجرای سیاست‌های فقرزدایی را برای بهبود وضعیت سلامت زنان و کودکان پیشنهاد می‌دهد.

کامیل احمدی (۱۳۹۵) در ۷ استانی که بیشترین تعداد ازدواج‌های زودهنگام (خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، اصفهان و هرمزگان) را دارند، پژوهشی انجام داد و با ۵۰۰ دختر و پسری که زیر سن قانونی ازدواج کرده‌اند، گفتگو کرد. این محقق معتقد است عواملی چون قدرت سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی و کم‌سواد بودن در این امر دخیل‌اند که با بررسی هر یک از آن‌ها باید اقداماتی را در نظر گرفت تا ازدواج کودکان در ایران کاهش پیدا کند. وی سرانجام، غیرقانونی کردن و جرم‌انگاری ازدواج کودکان، سیاست‌های مساوات جنسیتی برای تضمین حمایت از قربانیان، تعیین سن قانونی ازدواج، ضمانت وجود سیاست‌های اجرایی مناسب برای جلوگیری از ازدواج کودکان و درگیر کردن شخصیت‌های مذهبی را برای تغییر در گفتمان مذهبی از عواملی می‌داند که می‌توانند به جلوگیری یا کاهش ازدواج کودکان در ایران منتهی شوند.

سیاست ازدواج در ایران

شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۶۴ مورخ ۸۴/۴/۷ به پیشنهاد شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، قانون تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن را با اهداف ذیل تصویب نمود:

- تحقق دیدگاه اسلام در خصوص اهمیت جایگاه، منزلت و کارکردهای خانواده در نظام اسلامی
- حمایت از تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده و پیشگیری از تزلزل و فروپاشی آن

- ارتقای سطح فرهنگی و تربیتی اعضای خانواده به منظور ایفای نقش آن در سلامت و بهبود فرهنگی جامعه
- همگرایی و هماهنگی در کلیه سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در موضوع خانواده برای بهبود وضعیت تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده
- آگاهی افراد خانواده نسبت به حقوق و وظایف یکدیگر و زدودن نگرش‌های غلط جامعه
- گسترش و تعمیق ارزش‌های اصیل اسلامی در خانواده برای تربیت نسل سالم، باایمان، مسئول و مؤثر در رشد خود، خانواده و جامعه
- ایمن‌سازی خانواده از آسیب و بحران‌های اجتماعی و حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده
- در جهت عملیاتی‌سازی اهداف فوق باید راهبردها و سیاست‌های اجرایی را مشخص نمود که در حوزه تسهیل ازدواج می‌توان به راهبردهای ذیل اشاره نمود:
- تسهیل در امر ازدواج به‌عنوان پیمان الهی و تشویق جوانان به تشکیل خانواده همراه با تعدیل توقعات و کاهش تشریفات و تأثیر آن بر صیانت نفس و سلامت فرد و جامعه
- توسعه آگاهی‌های جوانان درباره نقش تناسب اعتقادی و فرهنگی زوجین در ایجاد تفاهم و تحکیم خانواده و روش‌ها و معیارهای شرعی انتخاب همسر
- توسعه نقش سازنده، هدایتی و حمایتی والدین در امر ازدواج جوانان و رعایت تناسب فرهنگی خانواده‌ها

سیاست‌های اجرایی

- حمایت از ایجاد تشکل‌های غیردولتی و مردمی با محوریت مؤسسات و شخصیت‌های علمی و مذهبی و استفاده از مشارکت زنان برای حمایت از تشکیل خانواده در این تشکل‌ها
- انجام فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی در امر آسان‌سازی ازدواج با رویکرد فرهنگی با مشارکت کلیه دستگاه‌های تبلیغی و فرهنگی کشور و نمایش معایب زندگی در تجرد و تنهایی
- ایجاد تسهیلات لازم برای حمایت مادی و معنوی خصوصاً از خانواده‌های جوان در دوران تحصیل و سربازی

- تقویت مشارکت خانواده‌ها و اقدام در تأمین نیازهای اقتصادی و مادی زوج‌های جوان به هنگام ازدواج
- ترویج دیدگاه‌های صحیح اجتماع درباره کم کردن هزینه‌های ازدواج مانند جهیزیه سبک، مهریه متناسب و کاهش هزینه‌های جشن ازدواج و پرهیز از تحمیل هزینه‌های سنگین
- توسعه مراکز رسمی آموزشی و مشاوره خانواده قبل و بعد از ازدواج با حمایت‌های دولت
- تشویق و ترغیب خانواده‌ها به داوری خویشان و ارائه مشاوره به آنان در اختلاف‌های خانوادگی و ارائه الگوهای قضاوت بی‌طرفانه در بین زوجین
- افزایش و تقویت مراکز مشاوره ژنتیک و بیماری‌های خطرناک و انجام آزمایش‌های پزشکی قبل از ازدواج برای اطلاع از وضعیت جسمانی و روانی زوجین در کنار تأکید بر اجرایی شدن این راهبردها
- قانون تسهیل ازدواج جوانان به تاریخ آذرماه ۱۳۸۴ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۷ به تأیید شورای نگهبان رسید. بنابر متن این قانون:
- ماده ۱. به‌منظور توانمندسازی جوانان برای تشکیل خانواده دولت مکلف است، صندوق اندوخته ازدواج جوانان را ایجاد نماید. اساسنامه صندوق شامل ماهیت صندوق، منابع مالی، ارکان، شرح وظایف صندوق و دولت، نحوه عضویت در آن را ظرف سه ماه از تصویب این قانون تهیه و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌کند.
- ماده ۲. دولت مکلف است علاوه بر استفاده از منابع بودجه سنواتی پیش‌بینی‌شده، از محل «صندوق اندوخته ازدواج جوانان» به مزدوجین نیازمند به اجاره مسکن، حسب تشخیص کمیته سامان ازدواج با توجه به امکانات صندوق، وام ودیعه مسکن پرداخت کند.
- ماده ۳. با تأکید بر روش‌های انبوه‌سازی، کوچک‌سازی، ارزان‌سازی و استفاده از روش‌های نوین در ساخت مسکن، دولت مکلف است علاوه بر بهره‌مندی از تسهیلات متداول و رایج فعلی (انبوه‌سازی و اجاره به شرط تملیک) از راه نهادهای عمومی مانند شهرداری و اوقاف و امور خیریه و با بهره‌گیری از همکاری و امکانات وزارت مسکن و شهرسازی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و استفاده از زمین‌های دولتی یا زمین‌های

اهدایی خیرین، واحدهای ساختمانی به‌عنوان «مسکن موقت» احداث کند و آن‌ها را در اختیار زوج‌های جوان با اجاره مناسب قرار دهد. مدت استفاده هر زوج متقاضی از این واحدها حداکثر سه سال است.

ماده ۴. الف) کلیه دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی و شهرداری‌های دارای تسهیلات رفاهی، فرهنگسرا و تالار، باشگاه و اردوگاه موظف‌اند با هماهنگی کمیته سامان ازدواج، فضاهای مذکور را برای برگزاری جشن و مراسم ازدواج در اختیار زوج‌های واجد شرایط قرار دهند.

ب) به هریک از خانواده‌های جوان عضو صندوق که هیچ‌یک از زوجین، اشتغال به کار یا منبع درآمدی نداشته باشند، حداکثر تا مدت دو سال پس از تاریخ ازدواج مبلغی به‌عنوان کمک هزینه زندگی به صورت قرض الحسنه پرداخت می‌گردد. سقف مبلغ مذکور را کمیته سامان ازدواج، متناسب با سرمایه صندوق تعیین خواهد نمود.

ماده ۵. دولت مکلف است برای تکریم و ترویج سنت حسنه نبوی ازدواج و ترویج الگوها و فرهنگ‌های مطلوب ازدواج با استفاده از امکانات رسانه ملی و دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی، اقدام‌های ذیل را انجام دهد:

الف) تصحیح باورها و آداب و رسوم مانع و مزاحم برای ازدواج جوانان در مناطق مختلف کشور.

ب) تشویق جوانان و خانواده‌ها به برپایی جشن‌های گروهی و کاهش هزینه‌های تشریفات مراسم ازدواج.

ج) روز اول ذی‌الحجه (روز ازدواج امیرالمؤمنین «ع» و فاطمه زهرا «س») به‌عنوان روز ازدواج جوانان نامگذاری شود.

د) طرح مباحث مربوط به چگونگی تشکیل خانواده و روش‌ها و آداب همسرگزینی و ازدواج آسان و شرعی از راه رسانه‌های گروهی، صدا و سیما، کتاب‌های درسی مقطع متوسطه (سال سوم و پیش‌دانشگاهی) و آموزش عالی.

ماده ۶. دولت وظیفه دارد برای سامان‌دهی فعالیت‌های ازدواج در استان‌ها و نظارت بر روند اجرایی این قانون در کلیه فرمانداری‌ها، کمیته سامان ازدواج متشکل از فرماندار، امام جمعه شهر و رئیس شورای شهر تشکیل دهد.

تبصره ۱. این کمیته بسته به مورد می‌تواند از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی برای شرکت در جلسه‌ها و تصمیم‌گیری‌های مرتبط دعوت به عمل آورد.

تبصره ۲. کلیه دستگاه‌های مرتبط، موظف به همکاری با این کمیته‌اند.

تبصره ۳. استانداران موظف‌اند پس از دریافت گزارش اقدام‌های کمیته‌ها، نتیجه را از طریق دولت به تفکیک هر استان به‌صورت سالانه به کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گزارش کنند.

ماده ۷. جهت رفع موانعی که باعث تأخیر ازدواج می‌گردد و تشویق و ترغیب جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، مکلف است پس از موافقت فرمانده کل نیروهای مسلح اقدام‌های ذیل را انجام دهد:

الف) تعیین محل خدمت سربازان متأهل در نزدیک‌ترین پادگان و مرکز نظامی محل سکونت.

ب) پرداخت مستمری به سربازان متأهل به میزان حداقل دو برابر پرداختی سربازان مجرد که میزان افزایش مستمری متأهلان از محل صندوق اندوخته ازدواج جوانان تأمین می‌گردد.

ماده ۸. وظیفه دولت است طرح جامع آموزش و مشاوره قبل و بعد از ازدواج را- که مشتمل بر برنامه‌های مشاوره برای همسرایی، تشکیل خانواده، آماده‌سازی زوج‌های جوان برای آغاز زندگی مشترک، آشنایی با حقوق خانوادگی و اخلاق همسررداری و آمادگی برای داشتن فرزند است- تهیه کند و ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون به مجلس ارائه دهد.

ماده ۹. دولت مکلف است متأهلان واجد شرایط را در اولویت دسترسی به فرصت‌های شغلی، وام اشتغال و وام مسکن قرار دهد.

ماده ۱۰. وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مؤسسه‌های دارای مرکز آموزشی، موظف‌اند در چارچوب بودجه سنواتی نسبت به ساخت و واگذاری خوابگاه‌ها به متأهلان اقدام لازم را معمول دارند و همچنین نسبت به پرداخت کمک‌هزینه تحصیلی به دانشجویان متأهل به مقدار دو برابر دانشجویان مجرد، که افزایش آن از محل صندوق اندوخته ازدواج جوانان تأمین می‌شود، اقدام نمایند.

تبصره- دانشجویان متأهل رشته‌های پزشکی مجازند قبل از انجام خدمت سربازی و طرح خدمت نیروی انسانی در آزمون دوره‌های تخصصی شرکت کنند.

تأسیس صندوق مهر امام رضا (ع) و بانک قرض‌الحسنه مهر ایران با هدف تأمین مالی ارزان قیمت برای ایجاد اشتغال و ازدواج جوانان بوده است. به‌منظور دسترسی آحاد مردم به تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج در کل کشور از سال ۱۳۸۸ سامانه الکترونیکی قرض‌الحسنه ازدواج با همکاری شبکه بانکی ایجاد شده است که تسهیلات اعطایی قرض‌الحسنه ازدواج از زمان راه‌اندازی سامانه تا تاریخ ۱۳۹۲/۴/۹ تعداد ۴۴۸۱۸۴۰ فقره است. مطابق قانون پولی و بانکی، قبل از سال ۱۳۸۸ نیز قرض‌الحسنه ازدواج از محل منابع قرض‌الحسنه نظام بانکی پرداخت گردید. به‌علاوه سقف فردی تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج از مبلغ ۲۰ میلیون ریال در سال ۱۳۸۸ به ۵۰ میلیون ریال (برای افراد دارای شرایط خاص) در سال ۱۳۹۱ افزایش یافت (احمدی نژاد، ۱۳۹۲).

عملکرد دستگاه‌های دولتی

در حوزه سیاست ازدواج، سازمان ملی جوانان از راه بسیج امکانات بالقوه و ظرفیت‌های دستگاه‌ها و نهادهای سازماندهی و هماهنگی‌های کلی را برای تحقق راهبردهای اتخاذشده به عهده خواهد داشت. دفتر برنامه‌ریزی ازدواج و تعالی خانواده معاونت فرهنگی، آموزش و پژوهش سازمان ملی جوانان در این زمینه وظایفی به عهده دارد.

اهداف کلی این دفتر عبارتند از:

- کمک به خانواده‌ها و جوانان در ارتقای سلامت روان
- کمک به خانواده‌ها برای همراهی بیشتر و کارآمدتر در ایفای نقش تصمیم‌سازی در امر ازدواج جوانان
- ساماندهی مرکزهای خدمات روانشناختی و مشاوره و مراکز تخصصی ازدواج و خانواده (صدور مجوز تأسیس مرکز مشاوره ازدواج و تحکیم خانواده)
- قانونمند و تخصصی نمودن مؤسسات ویژه همسرگزینی و مشاوره ازدواج و خانواده
- ارتقای سطح بینش و فرهنگ عمومی جامعه
- ارتقای سطح بهداشت روانی جوانان و خانواده‌ها
- فراهم نمودن زمینه استقلال اجتماعی و اقتصادی جوانان

- تقویت حس مسئولیت‌پذیری خانواده‌ها در امور مربوط به جوانان از جمله ازدواج
- تقویت نقش و کارکرد حمایتی نهادهای سنتی از جوانان
- ارائه الگوهای مناسب در امر ازدواج
- مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی جوانان و افزایش آگاهی‌های مربوط به ازدواج در میان آن‌ها
- فراهم نمودن زمینه دسترسی آسان جوانان به ازدواج
- برقراری نظام مدیریت عالی مشخص در حوزه ازدواج جوانان

شرح وظایف دفتر برنامه‌ریزی ازدواج و تعالی خانواده برای رسیدن به این هدف‌ها عبارتند از:

- سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی در بسترسازی و زمینه‌سازی ازدواج جوانان
- بررسی و شناخت باورهای دینی، ملی، منطقه‌ای، محلی و قومی به‌منظور رعایت آن در امر ازدواج
- بررسی تغییرات اجتماعی و تحولات ارزشی در چارچوب اصول دینی و ملی در زمینه ازدواج
- بررسی‌های کاربردی در زمینه الگو یا الگوهای خانواده سالم و پایدار، ازدواج و نهاد خانواده زوج‌های جوان
- برنامه‌ریزی و نظارت برای توانمندسازی (آموزش، مشاوره، ارتقای مهارت‌های زندگی، آگاه‌سازی و...)

زوج‌های جوان

- برنامه‌ریزی برای برقراری تناسب بین برنامه‌ها، منابع و امکانات دولت و بهره‌جستن از حداکثر امکانات موجود
- فراهم نمودن زمینه استقلال اجتماعی و اقتصادی جوانان
- ارتقای مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی جوانان و افزایش آگاهی‌های مربوط به ازدواج در میان ایشان
- برنامه‌ریزی برای توسعه مراکز خدمات روانشناختی و مشاوره جوانان و سنجش عملکرد آن‌ها
- برنامه‌ریزی توسعه مراکز تخصصی ازدواج (همسرگزینی)
- نظارت پیوسته و آسیب‌شناسی کردن کارکرد مراکز تخصصی مشاوره و ازدواج
- آسیب‌شناسی و بررسی روند طلاق در خانواده‌های جوان و تازه ازدواج کرده

- بررسی و ارزیابی پیوسته علل تأخیر در ازدواج جوانان و چاره‌اندیشی برای آن
- برنامه‌ریزی برای برگزاری یا بهره‌گیری از نمایشگاه‌ها، همایش‌ها و هم‌اندیشی‌های مربوط به ازدواج و خانواده جوانان (در همین جهت، جشنواره ملی ازدواج و خانواده در سال ۹۵ در دستور کار قرار گرفته است).
- حمایت از آثار و تولیدات رواج‌دهنده ازدواج و تشکیل خانواده
- گزارش عملکرد دفتر برنامه‌ریزی ازدواج و تعالی خانواده به شکل رسمی منتشر نشده است.

برنامه‌های شهرداری تهران

شهرداری تهران، ضرورت تحکیم خانواده و توانمندسازی آن را مدنظر قرار داده است و علاوه بر تحکیم خانواده به موضوع ترویج سبک زندگی اسلامی- ایرانی با تأکید بر عفاف و حجاب نیز پرداخته است. با یک نگاه اجمالی می‌توان برنامه‌های فرهنگی- اجتماعی شهرداری را در حوزه ازدواج و خانواده به‌اختصار معرفی کرد:

طرح گوهر رحمت

طرح گوهر رحمت از جمله طرح‌های ترویجی است که بیش از شش سال از اجرای آن می‌گذرد و رویکرد آموزشی و کارگاهی ویژه دختران با موضوع‌های مختلف از جمله عفاف و حجاب، سبک زندگی ایرانی- اسلامی، آداب و مهارت‌های زندگی، آشنایی با سیره ائمه اطهار و... در سال‌های گذشته در دست کار بوده است. در سال ۹۴ با دو موضوع و سرفصل کلی بلوغ دختران و مهارت‌های پیش از ازدواج (از جمله ارتقای خودآگاهی، تفکر نقاد و حل‌مسأله‌ای و کنترل هیجان و عواطف) در نظر بود تا مهارت‌های لازم را به دختران برای ارتقای کیفیت زندگی بدهند و افزایش آگاهی ایشان را در موضوعاتی از این قبیل دنبال کنند. این طرح در دو فاز اجرا گردید، فاز اول طرح با همکاری امور بانوان مناطق در سطح مناطق اجرا گردید و فاز دوم به‌صورت ستادی و متمرکز با همکاری آموزش و پرورش و چند دانشگاه معتبر مانند دانشگاه شهید بهشتی اجرا شد. هدف‌های این طرح عبارتند از: رصد وضعیت دختران در زمینه دانستن آداب و مهارت‌های

زندگی، آموزش و فرهنگ‌سازی و توانمندسازی ایشان درباره بلوغ و مهارت‌های زندگی پیش از ازدواج، شناسایی نیازهای دختران و ذائقه‌شان در ترجیحات فرهنگی مادی و غیرمادی پیش‌زمینه سیاست‌گذاری، تغییر روند گرایش‌های فرهنگی و بروز گرایش‌های جدید.

برای گروه مخاطبان دانشجویی مباحثی چون خودشناسی، مهارت‌ها و ملاک‌های انتخاب همسر و اشتباه‌های بزرگ در ابتدای آشنایی، تبیین شد. گروه هدف، مادران و دختران خانواده بودند و راهبرد، تشکیل کارگاه آموزشی بود.

طرح شکوفایی عشق

این طرح، آموزشی-ترویجی است و به‌منظور آموزش و توانمندسازی زوج‌های جوان درباره زندگی خانوادگی، طراحی و در مناطق ۲۲ گانه تهران اجرا شده است. طرح، کار خود را در سال ۱۳۹۰ در اداره کل امور بانوان و با مطالعات و جلسه‌های کارشناسی درباره سبب‌شناسی طلاق و خطرهای احتمالی برای زندگی زوج‌های جوان در نخستین سال زندگی مشترک آغاز کرد. هدف‌های اعلام‌شده طرح فوق عبارتند از: ترویج الگوهای خانواده و زندگی خانوادگی مبتنی بر آموزه‌های دینی در بین زوج‌های جوان، ارتقای دانش، آموزش و توانمندسازی زوج‌ها در زمینه آداب و مهارت‌های مدیریت زندگی خانوادگی، آموزش ایشان درباره شیوه‌های همسرداری، ارتقای سطح آگاهی و رضایتمندی زوج‌ها نسبت به سلامت جسم و روان و بهداشت خانواده، تشکیل بانک اطلاعات این زوج‌ها برای ارائه خدمات و آموزش به آن‌ها. گروه هدف، زوج‌های جوان و راهبرد، آموزش، کتاب و رسانه، تشکیل بانک اطلاعات زوج‌های جوان به‌منظور ارائه خدمات و آموزش‌های مستمر به آن‌هاست.

فعال‌سازی پایگاه‌های همیار خانواده در خانه‌های تسنیم

هدف‌های اعلام‌شده این طرح عبارتند از: شناسایی استعدادها و ظرفیت‌های خانواده‌ها و توان‌افزایی آنان، جلب مشارکت و همیاری اجتماعی خانواده‌ها برای تحکیم بنیان خانواده و ارتقای هویت دینی آن، تشکیل بانک اطلاعاتی خانواده‌های ساکن در محلات، فراهم‌سازی زمینه‌های خلاقیت و نوآوری و شکوفایی استعداد و توانایی‌های خانواده‌ها با مشارکت در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و سلامت، تقویت اخلاق و معنویت در خانواده‌ها، گسترش شناخت خانواده‌ها نسبت به هویت دینی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی، ارتقای روحیه نشاط و خودباوری در خانواده‌ها، تسهیل ازدواج و ترویج افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان. این طرح با ۴۴۲۲ برنامه اجراشده ظرف یک سال، طرح گسترده‌ای است که با پوشش دادن تمام محلات در سطح شهر تهران به انجام رسیده است. برنامه‌های مذکور، طیف بسیار متنوعی را دربرمی‌گیرند؛ از جمله برگزاری مراسم مختلف اعم از جشن و عزاداری، برگزاری کارگاه‌های آموزشی متعدد در حوزه مسائل مربوط به خانواده، تشکیل کلاس‌های آموزشی و هنری، سازماندهی تورهای تفریحی-زیارتی، اجرای برنامه‌های مرتبط با سلامت و انجام امور خیریه. محدودیت مخاطبان و نحوه اجرای برنامه‌های شهرداری در سراهای محله و توسط کارمندان به صورتی است که به سختی می‌توان درباره اثربخشی آن‌ها تخمینی زد. در شرح طرح‌های اجرایی مختلف شهرداری، از راهبردهای اجرایی مشابه استفاده شده است. برگزاری نشست، کارگاه آموزشی و اهدای بسته فرهنگی برای طرح‌های مختلف-از کنترل خشم، شیوه‌های فرزندپروری تا اشتغال‌زایی- اجرا می‌شود و قضاوت درباره خروجی آن‌ها مشکل است.

عملکرد نهادهای غیردولتی

بخش‌های غیردولتی نیز در ایجاد تسهیلات برای بهبود شرایط ازدواج در جامعه نقش بسزایی دارند. کمک‌های این بخش در دو قسمت اقتصادی و فرهنگی حائز اهمیت است. یکی از انجمن‌های خیریه که اغلب زنان آن را راه‌اندازی می‌کنند، عمدتاً کانونی برای معرفی افراد مشابه

به یکدیگر است و غالباً به شیوه سنتی و با نظارت خانواده‌های دو طرف امکان مواجه با یکدیگر را می‌یابند. علاوه بر این انجمن‌های خیریه که از دیرباز در حمایت سران بازار بوده است و از تدین مسلمانان برای همدلی و گره گشایی از مشکلات دیگر افراد جامعه ناشی می‌شود، سهم بسزایی در تهیه جهیزیه، مخارج ازدواج، تهیه مسکن و دیگر موانع اقتصادی ازدواج دارد. در حال حاضر در بسیاری از مراکز خیریه مایحتاج اولیه زندگی زوج‌های جوان به صورت رایگان و یا با قیمت پایین در اختیارشان قرار می‌گیرد.

دیگری مساجد و هیأت‌های مذهبی که در جوامع سنتی و غیرسنتی همواره کانون فعال وساطت در امر ازدواج بوده‌اند که با توجه به اجر اخروی بسیاری که این فعل به لحاظ اعتقادات مذهبی دارد، رواج آن در میان افراد مذهبی متمرکز در این دو کانون، چندان دور از انتظار نیست. تنها فرقی که این مراکز با روند تغییرات اجتماعی پیدا کرده‌اند این است که امروزه محل آموشد جوانانی‌اند که اغلب با عقاید، باورها و خُلق و خوی مشابه در قالب فعالیت‌های فرهنگی، بسیج مساجد و... با یکدیگر در تعامل‌اند؛ به این ترتیب روند وساطت ازدواج در حال حاضر در این کانون‌ها بعضاً از شیوه سنتی حضور مستقیم خانواده‌ها فاصله گرفته و همانند دانشگاه نقش دو طرف نیز قابل ملاحظه است؛ هرچند که با توجه به ماهیت سنتی این مراکز، این نوع وساطت شیوع گسترده ندارد. هیأت‌های امنای مساجد نیز از محل موقوفات یا درآمدهای مسجد، سهم امام(ره) و... به افراد نیازمند از جمله جوانان در حال ازدواج وام می‌دهند که در حل موانع این امر ثمربخش است (علمدار، ۱۳۸۶: ۸۳-۹۵).

بررسی پیامدهای اجرای سیاست ازدواج

کلیدی‌ترین راهکارهای ملی در زمینه ازدواج عبارتند از:

الف) تسهیل ازدواج با استفاده از راهبردهای اجرایی‌ای چون ایجاد صندوق حمایت از ازدواج جوانان، استفاده از ظرفیت مراکز غیردولتی برای همسریابی و آشنا کردن جوانان در آستانه ازدواج با یکدیگر، استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات رفاهی دستگاه‌های دولتی و نهادهای برای کاهش هزینه‌های تشریفات و جشن‌های ازدواج، اعطای

تسهیلات بانکی وام قرض‌الحسنه بر اساس نرخ واقعی، پرداخت هزینه تأمین سبد کالای ضروری و اولیه تشکیل خانواده، اعطای کمک‌هزینه ازدواج به‌عنوان هدیه حکومتی، استفاده از توانمندی خیرین و انسجام و تقویت فعالیت‌های آنان، کمک به دسترسی ارزان‌تر زوجین به امکانات جهیزیه، کمک به برپایی جشن‌های گروهی ازدواج، راه‌اندازی کانون‌های پیوند و ستاد ازدواج در استان‌ها، ایجاد تسهیلات و فرصت‌های اجتماعی برتر و بهتر برای متأهلان، فرهنگ‌سازی از راه رسانه‌های گروهی و همگانی.

ب) تحکیم و تقویت ازدواج (تثبیت زوجین) با راهبردهای اجرایی مانند تقویت مراکز مشاوره برای هدایت زوج‌های جوان و تثبیت خانواده‌های نوپا؛ وضع بیمه ازدواج برای همسر با بیمه بیکاری تا دستیابی به شغل؛ کمک به تأمین مسکن ارزان، موقت و دائم؛ اصلاح محتوای تعلیمی کتاب‌های درسی درباره نظام حقوق زوجین و تدبیر منزل؛ ارائه محتوای تعلیمی و راهنمای تشکیل خانواده برای جوانان از راه تقویت مشارکت اندیشمندان و متفکران صاحب‌نظر؛ فرهنگ‌سازی و تشویق خانواده‌ها به ساده‌زیستی؛ ترسیم الگوی خانواده متعادل و تبیین ویژگی‌های الگویی خانواده آرمانی در اسلام؛ توسعه آگاهی‌های جوانان درباره نقش تناسب اعتقادی و فرهنگی زوجین در ایجاد تفاهم و تحکیم خانواده و روش‌ها و معیارهای شرعی انتخاب همسر؛ توسعه تحقیقات درباره مسائل و مشکلات خانواده و کارکردهای آن و انعکاس یافته‌های آن به جامعه، مسئولان و برنامه‌ریزان کشور؛ توجه جدی به تقویت نقش الگویی والدین در تربیت صحیح فرزندان.

سؤال اصلی این است که نهادهای دولتی تا چه اندازه مسئولیت‌های خود را در حوزه خانواده به‌درستی ایفا می‌کنند و سیاست‌ها و اقدام‌های ایشان در کوتاه‌مدت و بلندمدت، چقدر بر رخداد ازدواج اثربخش است؟ تسهیلات دولت شامل افزایش وام ازدواج، ایجاد صندوق مهر امام رضا (ع) برای اشتغال‌زایی و ساخت مسکن مهر با اولویت جوانان بود که گویا نتوانست نقش مؤثری در تشویق جوانان برای ازدواج داشته باشد و جامعه‌شناسان و آسیب‌شناسان معتقدند که تسهیلات دولت چندان تأثیری در افزایش ازدواج میان جوانان نداشته است. صاحب‌نظران می‌گویند «به رغم تدوین سیاست‌گذاری‌ها و برگزاری همایش‌ها و هم‌اندیشی‌های بسیار از جانب نهادهای دولتی و غیردولتی در جهت سامان بخشیدن به امر ازدواج جوانان به نظر می‌رسد که این

مسأله همچنان به قوت خود باقی است و زنگ خطر آن هر روز بلندتر از قبل به گوش می‌رسد. اجرایی نشدن سیاست‌های مناسب دولت که نقش بسزایی در کاهش آسیب‌های این مسأله دارد، چشمگیرترین عامل در ناکارآمدی پیشنهادهای ارائه شده است. وجود نهاد نظارتی برای پیگیری مطالبات افراد و میزان عملیاتی شدن راهکارهای ارائه شده از سوی بخش‌های گوناگون دولتی و غیردولتی می‌تواند گامی اساسی در راستای رفع این مهم باشد» (علمدار، ۱۳۸۶).

یکی از نگرش‌های رایج در این سال‌ها اداری کردن نهاد خانواده یا اتکا بر سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دیوان‌سالارانه برای مقابله با مشکلات خانواده است؛ برای مثال، «سند ساماندهی ازدواج» از لزوم «برقراری نظام مدیریت عالی‌تر در حوزه ازدواج» سخن می‌گوید که این امر مدیریت ازدواج را از قلمرو فرهنگی و اجتماعی به قلمرو بخش عمومی منتقل می‌کند. مدیریت بخش عمومی نیز در پی تأثیرگذاری سریع است و از همین رو اغلب از عوامل و مشکلات بنیادین غفلت می‌کند. این رویکرد در زمینه ازدواج به پدیده‌ای انجامیده است که از آن با تعبیر «ازدواج‌سازی» (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۰) یاد کرده‌اند (قانع‌راد و عزلتی مقدم، ۱۳۸۹). در قانون تسهیل ازدواج (مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۷) تمایل به استانداردسازی خانواده، گسترش الگوهای یکسان در اجرای نقش‌های خانوادگی و مراسم‌زدایی از ازدواج دیده می‌شود. ساده‌سازی و مراسم‌زدایی از ازدواج گاه به معنای بی‌توجهی به کارکردهای اجتماعی و فرهنگی مراسم ازدواج است و با گرایش‌های سنتی و حتی جدید به مراسم در برگزاری جشن‌های ازدواج تقابل دارد؛ به‌نحوی که مسئولان دولتی در سال ۱۳۸۸ از تصمیم شورای اجتماعی کشور برای اجرایی کردن طرح «ازدواج آسان» خبر داده بودند (نجمار، ۱۳۸۸). تمایل به ساده کردن ازدواج گاه به‌گونه‌ای متناقض‌نما با پیچیده کردن ازدواج و حتی گسترش دیوان‌سالاری ازدواج همراه بوده است؛ «اجرای طرح گواهی‌نامه تخصصی قبل از ازدواج» نمونه‌ای از این تناقض‌هاست (اقلیما، ۱۳۸۸).

«دولت‌ها باید در این زمینه سیاست‌گذاری‌های کلی داشته باشند، اما در اجرای آن مداخله نکنند بلکه بسترهای سالم را برای تحقق این سیاست‌ها ایجاد کنند. به نظر من اصل سیاست‌گذاری، لازم است اما ورود دولت به این حوزه و مباشرت و تصدی‌گری مضر است تا اینجا که مشخص است دولت بیشتر تصدی‌گری

کرده است تا سیاست‌گذاری و حمایت‌گری؛ همچنین این سیاست‌ها بیشتر بر مسائل اقتصادی تأکید دارند. در باب ازدواج مسأله ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارد ولی وقتی دولت‌ها می‌خواهند در قضیه سیاست‌گذاری ازدواج مداخله کنند به این مسأله توجه ندارند که مشکل فقط اقتصادی نیست. این که جوانان ما ازدواج نمی‌کنند یا دیر ازدواج می‌کنند تنها به خاطر مشکل اقتصادی نیست و اگر هم به این دلیل باشد به مشکل اقتصادی در قبل از ازدواج بر نمی‌گردد» (پایگاه اینترنتی مهرخانه، کرمی، ۱۳۹۱/۱/۲۳). قانعی‌راد نیز می‌گوید: «برخی پیشنهادات ارائه شده برای «مدیریت اقتصادی» ازدواج توسط دولت همچون اعطای تسهیلات بانکی وام قرض‌الحسنه، اعطای کمک‌هزینه ازدواج و ایجاد صندوق تعاونی ازدواج برای جوانان و کمک دولت برای تأمین امکانات اولیه و ضروری زندگی زوج‌های جوان به طور ناخواسته بوروکراسی یا دیوان‌سالاری ازدواج را گسترش می‌دهد و برخلاف راهبرد ساده‌سازی، آن را به پدیده‌ای پیچیده تبدیل می‌کند (پایگاه اینترنتی مهرخانه، ۱۳۹۱/۱/۲۳).

می‌توان گفت سیاست‌های تسهیل ازدواج در ایران از دو اشکال عمده رنج می‌برد: یک نبود دیدگاه جامعه‌شناختی کل‌نگر که تغییرات در سن و شکل ازدواج را در ایران، پدیده‌ای منفرد در نظر گرفته است و آن را به‌عنوان بخشی از تغییرهای اجتماعی گسترده‌تر در نظر نمی‌گیرد. غلبه حضور روانشناسان و مشاوران خانواده در مراکز سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه ازدواج و خانواده و سیاست‌های اجرایی در این حوزه باعث شده است تا ازدواج و تشکیل خانواده به‌عنوان یک تصمیم شخصی دیده شود و از منطق کنش اجتماعی در به تأخیر انداختن ازدواج یا تغییرات فرهنگی در نگرش به ازدواج و شیوه‌های همسرگزینی غفلت شود.

دوم آن که درباره موفقیت مهندسی اجتماعی و گستره عمل دولت برای تأثیرگذاری روی تغییرات روزافزون در نهاد خانواده نوعی خوش‌بینی و برآورد دست‌بالا وجود دارد و از تبعات و پیامدهای احتمالی و ناخواسته سیاست‌های اجتماعی غفلت شده است. در حال حاضر هدفگذاری سیاست‌گذاری در حوزه ازدواج، افزایش تعداد ازدواج است تا آنجا که ازدواج‌های سن پایین، ازدواج‌های فامیلی و ازدواج‌های از قبل ترتیب‌یافته را بدون اشکال می‌بیند و کمتر به بخش تثبیت ازدواج اهمیت می‌دهد؛ این در حالی است که افزایش تعداد ازدواج بدون توجه به الزامات و شرایط ازدواج موفق و خانواده پایدار و کیفیت زندگی خانوادگی، تنها به افزایش تعداد

طلاق در بلندمدت منجر می‌شود و مشکلاتی چون افزایش تعداد زنان مطلقه و فرزندان طلاق را در پی دارد. جمع‌بندی و پیشنهادهای ازدواج یکی از وقایع مهم حیاتی است که همزمان با تغییرات خانواده دچار تغییر گشته است. بنابر سرشماری سال ۹۰ در کل کشور دو میلیون و پانصد هزار مرد مجرد و حدود دو میلیون زن مجرد در سن مناسب ازدواج و باروری (۴۰-۲۵ سال) وجود داشته‌اند که می‌توانستند دو میلیون خانواده جدید تشکیل دهند اما از آنجا که ملاک و شاخص‌های افراد برای ازدواج تغییر کرده است، میانگین سن ازدواج طی سال‌های متمادی افزایش یافته (۲۶/۷ سال برای مردان و ۲۳/۵ سال برای زنان) و این افزایش در زنان بیشتر از مردان بوده است (۳/۷ سال برای زنان در برابر ۲/۶ سال برای مردان). تحقیق‌های زیادی در این زمینه صورت گرفته است که نشان می‌دهد عوامل افزایش سن ازدواج عبارتند از: عوامل اجتماعی (تحصیلات دانشگاهی)، عوامل اقتصادی (اشتغال دختران) و عوامل فرهنگی (تغییر انتظاراتها از زندگی مشترک و تغییر هنجارهای همسرگزینی). تأخیر در سن ازدواج اگر به افزایش سرمایه‌های انسانی فرد منجر شود و به انتخاب بهتر و معقول‌تر همسر بینجامد، اثر مثبت گذارده است اما از آنجا که کاهش ازدواج‌ها به کاهش فرزندآوری و افزایش بحران‌های عاطفی و روابط فرزندناشویی در افراد منجر می‌شود، ضرورت دارد که با پدیده افزایش سن ازدواج به‌عنوان مسأله روبه‌رو شویم.

در این میان باید تغییرات اجتماعی حاصل از مدرنیته را در نظر داشت و به این نکته نیز توجه کرد که نقاط مختلف کشور از نظر توسعه اجتماعی-اقتصادی در یک سطح نیستند و سیاست جامع و یکپارچه دولتی که به این تفاوت‌ها دقت نکند با شکست مواجه می‌شود. درحالی‌که در کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ، کاهش امر ازدواج و بالا رفتن میانگین سن ازدواج، قابل توجه است در استان‌های محروم کشور همچنان با ازدواج در سن پایین روبه‌رو هستیم. چون در تمامی نقاط کشور، الگوی یکسانی درباره سن ازدواج وجود ندارد، به تبع آن سیاست اجتماعی نیز باید این تفاوت‌ها را لحاظ کند و در برابر این دو معضل، یکسان عمل نکند. هدفگذاری سیاست تسهیل ازدواج در ایران باید معطوف به ازدواج در گروه سنی مناسب (۲۵-۲۰ سال) باشد.

پیشنهاد برای کاهش میانگین سن ازدواج

یکی از تغییرات ازدواج، افزایش سن آن است که هم در میان زنان و هم در بین مردان روی داده است. روند وضعیت کنونی ازدواج در ایران (مردان به‌طور میانگین با زنانی که چند سال کوچک‌تر از آن‌ها هستند، ازدواج می‌کنند) بر توزیع الگوی سنی زوجین تأثیر می‌گذارد که برای حل آن باید چاره‌ای اندیشید. با ادامه روند فعلی در سال ۹۷ تعداد مردان در سن ازدواج (۲۰ تا ۳۴ ساله) حدود دو میلیون نفر بیش از زنان در سن ازدواج (۱۵ تا ۲۹ ساله) و جمعیت، دچار مضیقه ازدواج خواهد شد.

اساساً «مسأله کمبود مردان در مقایسه با زنان نیز پدیده جمعیتی نیست و تنها در صورتی موضوعیت دارد که به لحاظ عرفی و هنجاری، مردان اصرار به ازدواج با زنانی کوچک‌تر از خود داشته باشند؛ بنابراین مضیقه ازدواج نیز موضوعی اجتماعی- فرهنگی است، نه مسأله‌ای جمعیتی» (مرکز پژوهش‌های مجلس، آذرماه ۱۳۹۵). یکی از راهکارها هم‌سن‌گزینی است تا زنان و مردان در آستانه ازدواج به تعادل برسند و پدیده‌هایی همچون پیشی گرفتن آمار مردان در آستانه ازدواج بر زنان مهار شود. طی سال ۱۳۹۲ در مجموع ۷۴ هزار و ۵۱۳ ازدواج در کشور صورت گرفت که از این تعداد ۹۲ هزار و ۳۶۵ مورد آن که معادل ۱۱٫۹ درصد است، ازدواج دختران و پسرانی بوده که سن یکسان داشته‌اند. عملی کردن این راهکار، مستلزم فرهنگ‌سازی در این زمینه است. بهبود روش‌های همسریابی در میان جوانان و ارائه مشاوره به زوج‌های در آستانه ازدواج ضروری است تا هدف اصلی که افزایش ازدواج‌های موفق است، عملی گردد. ایجاد پایگاه اینترنتی همسریابی ملی، می‌تواند جداً مورد تأمل قرار گیرد (به این ترتیب می‌توان اختلاف میان گروه‌های سنی زنان و مردان در آستانه ازدواج را در استان‌های مختلف کشور کاهش داد) اما استفاده از این راهکار، مستلزم توجه به ظرایف و نکات مهمی است که در گزارش دیگری به آن پرداخته شده است.

راهکارهای پیشگیری از ازدواج در سن پایین

مشخص‌ترین و ساده‌ترین راهکار در این زمینه، تغییر سن قانونی ازدواج است. سن رشد و امکان تصرف در مال ۱۸ سال است. دختران و پسران در همین سن می‌توانند مسئولیت اجتماعی به عهده بگیرند و در

انتخابات شرکت کنند. چگونه می‌توان پذیرفت که فردی ۱۵ ساله حق ندارد حساب بانکی افتتاح کند، دارایی‌های خود را بفروشد، رئیس‌جمهور یا نماینده مجلس خود را برای یک دوره چهارساله انتخاب کند اما صلاحیت و بلوغ عقلی و عاطفی برای انتخاب همسر مادام‌العمر خود را دارد؟ چگونه می‌توان به رضایت از زندگی و دوام این ازدواج، اطمینان داشت؟ هدف، افزایش تعداد وقوع ازدواج است یا خانواده پایدار و کارآمد؟ با این ملاحظات، ازدواج زیر ۱۶ سال برای دختران و زیر ۱۸ سال برای پسران باید مطلقاً ممنوع شود و ازدواج بین ۱۶ تا ۱۸ سالگی منوط به اجازه دادگاه در موارد خاص باشد (از نظر روانشناسان در ۱۶ سالگی تلاطم‌های دوران بلوغ پایان یافته است و شخصیت فرد، ثبات کافی یافته است). با این همه نمی‌توان به تغییر قانون اکتفا کرد. همواره افرادی هستند که به راحتی از قانون تخلف می‌کنند و در مواردی که اسناد رسمی چون شناسنامه وجود ندارد، نمی‌توان وقوع جرم را اثبات و خاطیان را مجازات کرد.

برای طولانی‌مدت، راهکارهای اجتماعی- فرهنگی مؤثرترند. از آنجاکه ازدواج در سن پایین با تحصیلات کمتر و درآمد پایین‌تر برای زنان همراه است، یکی از مهم‌ترین عواملی که محققان در پیشگیری از ازدواج زود هنگام مطرح می‌کنند، تحصیلات و دستیابی به سطوح بالای سواد و اشتغال در زنان است. افزایش سطح سواد زنان و آموزش مهارت‌های زندگی به آنان از دوران کودکی، گامی بسیار مهم در جهت توانمندسازی آنان و رفع تبعیض جنسیتی خواهد بود؛ بدین ترتیب قدرت زنان در داخل خانه افزایش می‌یابد و بر مشارکت فعال آنان در امور اقتصادی و سیاسی تأثیر می‌گذارد؛ چرا که فقر یکی از عوامل مهم ازدواج در سن پایین است، دولت‌ها باید با تدوین و اجرای سیاست‌های فقرزدایی در جهت سلامت زنان بکوشند. لازم است والدین و جامعه از عوارض سوء جسمی و اجتماعی ازدواج زودرس آگاه شوند و چنانچه ازدواج زودرس صورت گرفت، بارداری تا بعد از سن ۱۸ سالگی به تأخیر بیفتد. دختران باید از توان انتخاب و تصمیم‌گیری درباره ازدواج و موضوعات بهداشت باروری و سلامت خود بهره‌مند شوند. تقویت نقش انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی زنان برای حمایت از دختران و کودکان در برنامه‌های توسعه‌ای و آموزشی مبتنی بر حقوق بشر می‌تواند منجر به تغییر سنت‌ها، سلسله‌مراتب قدرت و تعصبات منجر به ازدواج کودکان شود (لطفی، ۱۳۸۹: ۷۶).

منابع

- آزاد ارمکی، محمدتقی. زند، مهناز. خزایی، طاهره (۱۳۷۹). «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی: با تأکید بر مقایسه مراسم، آداب و کارکردهای حمایتی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۶، ۳-۲۹.
- آندره، میشل (۱۳۵۴). *جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج*، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- احمدی‌نژاد، احمد (۱۳۹۲). *مهرگان، بخشی‌هایی از ۸ سال خدمت ماندگار دولت‌های نهم و دهم*، بی‌جا.
- اسداللهی غلامی، اکرم (۱۳۹۲). *بررسی فقهی حقوقی ازدواج کودکان و مقایسه آن با حقوق بشر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، استاد راهنما: جمشید معصومی.
- اقلیما، مصطفی (۱۳۸۸). *سازمان ملی جوانان و طرح گواهی‌نامه ازدواج (یادداشت انتقادی)*، روزنامه آرمان، سه‌شنبه ۲۵ اسفند، ۶.
- اکبری، صادق. طیفوری، وحید. نوروزی‌فیروز، مهرداد (۱۳۹۲). *بررسی وضعیت ازدواج و زناشویی استان‌های شمالی گلستان، گیلان و مازندران در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰*، همایش تحلیل یافته‌های سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰، ۶ و ۵ آذرماه ۱۳۹۲.
- تیموری منفرد، سارا (۱۳۹۴). *مطالعه تطبیقی الگوهای ازدواج در بین اقوام لر، فارس و عرب در شهر اهواز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، استاد راهنما: عباس عسگری ندوشن.
- جعفری‌مژده‌ای، افشین (۱۳۸۲). *عدم تعادل در وضعیت ازدواج ایران*، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۵، ۸۳-۱۰۴.
- حبیب‌پور گنابی. غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). *علل افزایش سن ازدواج دختران*، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) دوره نهم، شماره ۱، ۳۴-۷.
- ربانی، رسول. قاسمی، وحید. احمدی، وکیل (۱۳۸۹). *بررسی مضیقۀ ازدواج در استان‌های شمالی کشور (بر اساس سرشماری ۱۳۸۵)*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی.
- رجبی، عباس (۱۳۸۶). *عوامل افزایش ازدواج و راهبردهای کاهش آن*، مجله معرفت، شماره ۱۱۲، ۱۵۴-۱۴۳.
- شاهی‌نیار، سمیرا (۱۳۹۴). *ازدواج کودکان، حق بر امنیت انسانی و چالش‌های حقوقی آن در نظام بین‌الملل حقوق بشر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور تهران، استاد راهنما: بهاره حیدری.
- صادقی، رسول. قدسی، علی محمد. افشارکهن، جواد (۱۳۸۶). *واکاوی مسأله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل*، پژوهش زنان، دوره پنجم، شماره ۱، ۱۰۸-۸۳.
- صالحی‌فر، راضیه (۱۳۹۱). *بررسی توزیع فضایی تغییرات سن اولین ازدواج در ایران و عوامل مؤثر بر آن طی سرشماری‌های ۸۵-۱۳۶۵*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه شیراز، استاد راهنما: علی گلی.
- فرضی‌زاده، زهرا (۱۳۹۳). *طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد*. مقاله ۷، دوره ۶، شماره ۱، بهار و تابستان، ۱۴۶-۱۱۳.
- قانع‌راد، محمدامین. عزلتی مقدم، فاطمه (۱۳۸۹). *بررسی انتقادی تشخیص‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در مسائل خانواده و ازدواج*، مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره

- قلیلی رنای، زهره (۱۳۹۱). بررسی و تدوین معیارهای بومی آمادگی برای ازدواج از دید جوانان، والدین و کارشناسان ازدواج و ارزیابی میزان آمادگی ازدواج در جوانان شهر اصفهان، پایان نامه دکتری، دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه اصفهان، استاد راهنما: احمد احمدی، عذرا اعتمادی. کاری، فیروزه (۱۳۸۲). تأثیر تحصیلات و اشتغال زنان بر تأخیر در سن ازدواج در تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، استاد راهنما: محمدتقی شیخی.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۳). تحول ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن، پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۳، ۱۳۴-۱۰۳.
- کنعانی، محمدمبین (۱۳۸۵). پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۱، شماره ۱، ۱۰۴-۱۲۶.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
- لطفی، راضیه (۱۳۸۹). پیامدهای سلامتی ازدواج زودرس در زنان، فصلنامه زن و بهداشت، دوره یک، شماره ۲: ۷۹-۶۷.
- مجدالدین، اکبر (۱۳۸۶). بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آستیان، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳، ۳۸۶-۳۷۵.
- محمد، کاظم، اعظم، کمال. کریملو، مسعود. نوربالا، محمدعلی (۱۳۸۶). روند تغییرات سن اولین ازدواج زنان ایرانی بر اساس اطلاعات طرح ملی سلامت و بیماری در ایران (سال ۱۳۸۷). فصلنامه پایش، سال ششم، شماره ۲، ۹۷-۸۹.
- مرادی، گلمراد. صفاریان، محسن (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال سوم، شماره هفتم، ۱۰۸-۸۱.
- مقدس جعفری، محمدحسن، یعقوبی چوبری، علی (۱۳۸۵). تغییرات، ویژگی‌ها و موانع ازدواج در استان گیلان با تأکید بر شهرستان رشت، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۱ شماره ۲، ۸۹-۱۱۰.
- میرسندسی، سید محمد. محمدی قلعه‌سفیدی، مصطفی (۱۳۹۰). بررسی رابطه تحصیلات زنان با افزایش سن ازدواج آن‌ها و راهکارهای پیشگیری از آن با تأکید بر رویکرد اسلامی، فصلنامه فرهنگی-دفاعی زنان و خانواده، سال ششم، شماره ۱۷، ۲۰۴-۱۷۹.
- مهاجرانی، علی اصغر (۱۳۸۹). تحول وضع زناشویی و تغییر الگوی سنی ازدواج در ایران، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال چهارم، شماره ۱۱، ۵۴-۴۱.
- نجار، محمدعلی (۱۳۸۸). طرح ازدواج آسان اجرایی می‌شود، روزنامه آرمان، ۲۵ اسفند ۱۳۸۸، ۷.
- اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن، سامانه قوانین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در نشانی <http://rc.majlis.ir>.
- سازمان ثبت احوال کشور www.sabteahval.ir.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، تهران.
- نگاهی به بایسته‌های آماری در سیاست‌گذاری در حوزه ازدواج، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات فرهنگی، آذرماه ۱۳۹۵ <http://rc.majlis.ir>.

